

- اخراج معلمان انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی توده هاست
صفحه ۱۵
- راه رشد غیرسرمایه داری عراق، سلاح های شوروی و فضاخت رویز یونیستها
صفحه ۶
- رزمندگان و مسئله رویز یونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۶) صفحه ۱۳
- باجشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۵) صفحه ۵
- نقد فیلم مبارزین باسک : رویز یونیسیم علیه آوانتوریسم صفحه ۲۱
- آمریکا به خلقهای منطقه جنگ و دندان نشان میدهد، اما... صفحه ۱۱

بیکار

بها ۲۵ تریال

سال دوم - دوشنبه ۷ مهر ۱۳۵۹

جنگ غیرعادلانه و ارتجاعی ایران و عراق و تاکتیک

گمونینتها

با بمباران فرودگاههای ایران توسط نیروی هوایی رژیم ارتجاعی عراق در ۳۱ شهریورماه درگیری های مرزی دوکسور وارد یک مرحله از جنگ آسکارت تمام عیار گردید. هرد رژیم با استفاده از نیرو - های هوایی، دریائی و زمینی به خاک یکدیگر حمله کرده و علاوه بر آنکه - تاسیسات نظامی و نفتی یکدیگر ضربه وارد می آورند، خانه های زحمتکشان را با خاک یکسان کرده و سبب قتل و گسار جمعی توده هایشوند. بعلاوه از هم اکنون آثار کمبود ارزاق و سوخت و گرانسی در ایران تشدید شده و سد و ن سگ وضع مشابهی در عراق نیز حکم فرماست. بقیه در صفحه ۲



جنگ ایران و عراق فرصتی طلائی برای تحکیم ضد انقلاب و سرکوب انقلاب

جنگی ضد خلقی بین ایران و عراق در گرفته است و آنان در رهنه های مختلف و از جنبه های متعدد قابل بررسی است. در این جنگ غیر عادلانه رژیم ستار جمهوری اسلامی میکوشد تا در جهت تحکیم موقعیت خود بیشترین بهره گیریها را بنماید. به موازات این جنگ تبلیغ شوینیسیم در میان توده های ناآگاه و متزلزل و جلب آنان بسوی خود تقویت ارتش شاهنشاهی و سرکوب انقلاب از جمله اهدافی است که رژیم تعقیب میکند. رژیم جمهوری اسلامی به این موقعیت بمثابة یک "موقعیت طلائی" می نگرد:

بقیه در صفحه ۲۰

خطاب به کلیه رفقا،
اعضا و هواداران سازمان!
«در رابطه با جنگ
ایران و عراق»
صفحه ۱۲

موضع مادر قبال
جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران
و عراق چیست؟

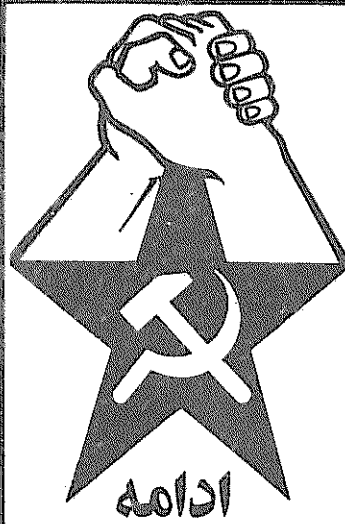
صفحه ۲

مبارزات کارگران کارخانه عبیدی
و عملکرد فدائیان (اکثریت)
صفحه ۳

اعتصاب کارگری در آلمان شرقی
جلوهای دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی
صفحه ۶

نقطی پلي دانشگاه

نشانه وحشت از آگاهی توده هاست
صفحه ۷



اطلاعیه وحدت
صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

موضوع ما در قبال جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران و عراق چیست؟

● جنگ ایران و عراق جنگی است در ادا مه سیاست های ارتجاعی و در کبریه ای گذشته میان دو کشور، در اسنادی و سمبولیک و گسسته برآ

● جنگ ایران و عراق جنگی است میان دو رژیم ارتجاعی و در جهت تا مین منافع سرمایه داران دو کشور و به منفع امپریالیستها و سرمایه داری جهانی و حفظ سلطه آنها بر علیه منافع خلقهای ایران و عراق!

● جنگ ایران و عراق جنگی است در مقابل جنبش انقلابی مردم و کشور ایران و عراق در جهت تحمیل و منحرف کردن سوخته های خلق هر دو کشور از انقلاب و مبارزه علیه رژیم های "خودی"!

● جنگ ایران و عراق جنگی است تجا و زکا رانه، ارتجاعی، غیر عادلانه و ضد مردمی، و این که کدا میک از این دورریم، در کبری و جنگ مطلق را آغاز کرده است، سفیری در ما هیت این جنگ نمی دهد!

هدف رژیم های ایران و عراق از این جنگ چیست؟

● هدف رژیم ماسستی عراق از این جنگ، جا مه عمل پوشانیدن به آرزوهای استیلا طلبانه و توسعه طلبانه بورژوازی خویش، ضمیمه کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ نشینهای آن است.

● هدف رژیم جمهوری اسلامی از این جنگ با صلاح مدور "انقلاب اسلامی" به عراق و حمایت از جنبشهای ارتجاعی این کشور طبر "خراب" "مرد" "زنا زمان بیکار را سلامی عراق" است.

● هدف عمومی رژیمهای ایران و عراق، از این جنگ، تحمیل سوخته های هر دو کشور، منحرف ساختن مبارزات آنها از انقلاب و مبارزه با رژیمهای خودی، سرکوب و نابودی جنبش انقلابی و کمونیستی هر دو کشور، تا مین منافع سرمایه داران و ادا مه حاکمیت رژیمهای حاکم بر هر دو کشور و سلطه امپریالیسم جهانی، ا ندا خشن سوخته ها به جان بکشد و اسفاده از آنها بعنوان گوشت دم توب می باشد!

شعارها و وظایف

● محکوم ساختن جنگ تجا و زکا رانه و ارتجاعی هر دو رژیم ایران و عراق

● توضیح واقیای سوخته های امپریالیسم، هدفها و بهر ه برداریهایی که هر یک از دو رژیم ایران و عراق از این جنگ در نظر دارند.

● کار توضیحی واقیای در میان سوخته ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجا و زکا رانه و ارتجاعی

● افتای همه جا به خوینسم و عوا مغربیهی ها و تبلیغات ارتجاعی بورژوازی تحت پوشش "میهن پرستی" و "دفاع از میهن"

● افتای همه جا به رژیونیسمها که با فریب سوخته ها تحت عنوان "میهن پرستی" و شوینسم بورژوازی را در میان زده و سوخته ها را بدینال بورژوازی می کشانند.

● کسب آما دگی و ندادارک سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ دا خلقی.

توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم کنیم!

جنگ تمهیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

مستحکم باد اتحاد و همبستگی پروتاریا و خلقهای ایران و عراق بر علیه بورژوازی هر دو کشور!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱ اعلام شماره ۹۸ ۱۳۵۹/۷/۲

دار کدا این جنگ را به پیش می برد. اگر سیاست رژیمهای یعنی عراق و جمهوری اسلامی ایران را مورد بر خورد قرار دهیم، منوجه می شویم که هر یک از این رژیمها مآهینا رژیمهای ارتجاعی بوده و در طول حیات خود جز سیستمی واقصا دی بر سوخته ها و سرکوب جنبش و انقلاب سوخته ها و خدمت به منافع سرمایه داران و امپریالیستها کار دیگری انجام نداده اند. ارتحکام تا سیر رژیم جمهوری اسلامی در ایران، هر دو رژیم نسبت به خلقهای بکدیگر یک سیاست توسعه طلبانه را به پیش برده، یکی به اسم "دفاع از خلق عرب خوزستان" و دیگری به اسم "مدور انقلاب اسلامی" سعی کرده اند سوخته های دو کشور را به جان بکشد و ا ندا خسته و یقه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱ جنگ غیر عادلانه...

هزیک ارزشهای ارتجاعی ایران و عراق می- کوشند تا شروع حمله را به طرف مقابل نسبت داده و بدینگونه خود را در مقام یک مدافع بیگناه جلوه دهند. رژیم یعنی عراق، رژیم جمهوری اسلامی را شروع کننده جنگ میدانند و مستعد است که رژیم ایران با دخالت در امور داخلی آن کشور توسط سیمان عراق به سورس علیه حکومت، آنها حمله را شروع کرده است. در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، کما را بکردن رژیم "کافر" صدام - حسین ا ندا خسته و سماران هواشی ۳۱ سپر سور را ناهدمیا ورد.

اینکه کدا میک از طرفین، شروع کننده جنگ بوده است، به هیچ عنوان ما هیت این جنگ را روشن نمیکند بلکه دقیقا این ما هیت رژیم و محملت طبقاتی آن است که ما هیت این جنگ را روشن میازد.

● رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق از طریق این جنگ نه تنها میکوشند منافع ارتجاعی خود را در منطقه تا مین نمایند، بلکه علاوه بر این و مهمتر از آن میکوشند تا بسوسله ایجاد این جنگ ضد انقلابی، با مبارزات انقلابی در هر دو کشور سه مقابله برخیزند.

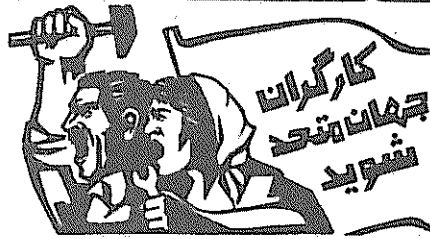
لنین در این باره چنین میگوید: جنگ ادا مه سیاست از راههای دیگر است. تمام جنگها از بسیمهای سیاسی که آنها را بوجود می- آورند جدائی ناپذیر هستند. سیاسی که یک دولت را معین میکند طبقه معین در آن دولت برای مدتی طولانی قبل از جنگ تحقیر میکند، بنا گذر توسط همان طبقه در دوران جنگ ادا مه پیدا میکند و تنها شکل عمل تغییر می نماید". (مجموعه آثار جلد ۲۴، صفحات ۴۰۰ - ۳۹۹)

● شعاری که امروزه تمام نیروهای انقلابی و در رأس آنها کمونیستها باید انتخاب کرده و به میسان توده های مردم ببرند، شعار تحریم این جنگ تمهیلی و ارتجاعی و تبدیل آن به یک جنگ عادلانه علیه رژیمهای ارتجاعی در گیر در جنگ و در منطقه است.

و در جای دیگری تذکر میدهد که: "پس چگونه میتوانیم جوهر "یک جنگ را آشکار و تعریف نمائیم؟ جنگ ادا مه سیاست است، نتیجا با بیستی که سیاسی را که پیش از جنگ تحقیر شده امتحان کنیم. همان سیاسی که منجر به جنگ گردید و آسرا بوجود آورد، اگر که آن یک سیاست امپریالیستی بوده یعنی سیاسی که سراسری حفاظت از منافع سرمایه مالی و جپاول و بر سر سلطه در آوردن مستعمره ها و کشورهای خارجی طراحی شده بود. آنکا جنگی که از این سیاست ریشه می گیرد امپریالیستی است. اگر که آن یک سیاست آزادی بخش ملی بود یعنی سیاسی که با نگر حرکت سوخته های بر علیه تحت سلطه بودن ملی بود. آنکا جنگی که از این سیاست ریشه میکشد یک جنگ آزادی بخش ملی است.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

جنبش کارگری



مبارزات کارگران کارخانه عیبدی و عملکرد فدائیان (اکثریت)

رفقا! آنچه در زیر میخوانید، نمونه‌ای از عملکرد - های ضدکارگری و فدا انقلابی رویزیونیستهای فدا ثی (اکثریت) در کارخانه عیبدی است. این گزارش نشان دهنده آنست که چگونه رویزیونیستهای فدا ثی در عمل نیز کم‌رهمت برای خدمت به بورژوازی بسته‌اند و چگونه فقط در عرصه سیاست، بلکه در عمل خویش نیز به دشمن طبقه کارگری و نیروهای انقلابی تبدیل شده‌اند.

رفقا! ما باید نه فقط ثوری سیاست، بلکه عملکردهای سازشکارانه، فدا انقلابی و خائنه نیروهای سیاسی ای را که پشت به انقلاب کرده‌اند، در نزد توده‌ها افشا نمائیم و توده‌ها را از زیر نفوذ آنان بیرون کنیم.

رفقا! بمنظور افشای هر چه بیشتر نیروهای خائس سازشکار و متزلزل، بمنظور آنکه ما بتوانیم اصلاح‌طلبان و معشری از عملکردهای نیروهای سیاسی گوناگون در کارخانجات و... داده‌ها را افشا کنیم و بتوانیم تا کنون خودمان را در برابر آنها تعیین کنیم، لازم است که کلیه رفقا گزارش‌های خود را از فعالیت این نیروها در کارخانه‌ها، روستاها، محلات، مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و... از جمله گرفته‌اند و در اختیار هم‌چنین نیروهای خائس و فدا انقلابی تهیه نمایند. در این میان و در همین رابطه، افشای رویزیونیستهای فدا ثی (اکثریت) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که بخش وسیعی از توده‌های آگاه هنوز نسبت به آنان توهماً رند که با ییدتوهمان را نکست.

تا کیدما اینست که کلیه رفقا در فاصله هفت هفته و بسا به یک وظیفه تشکیلاتی، گزارشات و اخبار خود را از فعالیت و عملکرد نیروهای سیاسی و بویژه فدا ثیان (اکثریت) در محیط کار و فعالیت خودشان، ارسال دارند.

عملکردهای رویزیونیستی

فدائیان (اکثریت) در کارخانه عیبدی



۴۴ ساعت کار در هفته، لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها، توطئه دیگر رژیم علیه کارگران

کارگران مبارز! وظیفه ما در این میان و در مقابل این توطئه‌ها و حرکات ضدکارگری چیست؟ وظیفه ما این است که سیاستهای ضدکارگری رژیم را کم‌و‌از جمله همین سیاست ضدکارگری اخیراً در مورد لغو تعطیلی ۴ روز در هفته افشا کرده و بقیه کارگران را که نسبت به این سیاستها و اقدامات ضدکارگری ناآگاه هستند، آگاه کرده و این سیاستها همه‌شما را هدیه بدهد که برای ما قابل‌بهره‌ای نیست. سیاست ضدکارگری طوماری از امضای کارگران جمع‌آوری شد ولی از اول معلوم بود که این طومار که سهل‌است اگر مدیران هم جمع‌آوری شود دردی را دوا نخواهد کرد و لذا با ایداه زمان اول آنرا افشا می‌کردیم و بکارگران نشان میدادیم که ما فقط از یک راه میتوانیم بخواسته‌هایمان برسیم و آن اتحاد و همبستگی کارگران است. و پس، باید به کارگران نشان دهیم که برای ایستادن در برابر این توطئه‌ها و اقدامات ضدکارگری حامیان رنگارنگ سرمایه و گرفتن حقوق خود به چیزی بالاتر از امضاء کردن احتجاج داریم که آن هم داشتن بسکبک تشکیلات مستقل و قدرتمند کارگری است که در چنین مواقعی از حقوق حقه ما کارگران دفاع نماید، و این تشکیلات چیزی بجز شورای واقعی کارگری نمیباشد که ما با بستی در جهت ایجاد آن حرکت نمائیم و لزوم تشکیل آن را برای سارهمکاران خود نشان دهیم و روشن سازیم که با داشتن این شورای واقعی است که ما نمیکند رژیم به این سادگی دستاوردهای با ارزشی را که حاصل چندین سال مبارزه ما است، از دستمان درآوردند.

در رابطه با افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها، کارگران مبارز مجتمع صنایع فولاد اهورا اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که قسمتهاً از آن در زیر درج میشود:

بر پرواز نخل شورا‌های واقعی کارگری، دیروز لغو سود ویژه کارگران و اخراج و دستگیری کارگران مبارز، امروز افزایش ساعت کار و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها و فتردا...؟

کارگران مبارز! همانطور که شما هم مستقیم رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای ضدکارگری خود نظیر انحلال شورا‌های واقعی، لغو سود ویژه کارگران، اخراج و دستگیری کارگران مبارز، اقدام به افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها نموده و از این طریق یک بار دیگر در عمل نشان داد که اگر در حرف و تبلیغات طرفدار "مستغنی" است، در عمل دشمن کارگران و مدافع سرمایه‌داران زلوفت است.

در این رابطه اخیراً شاهد بودیم که چگونه عمال رژیم جمهوری اسلامی در اهورا برای اجرای این سیاست ضدکارگری خود به جنب و جوش افتادند و با صدور انواع اطلاعیه‌های تهدیدآمیز به کارگران گفتند که اگر پنجشنبه‌ها بر سر کار نیاید چنین و چنان خواهیم کرد... جناب طباطبائی حاکم شرع خوزستان در اطلاعیه سر تا پا شیرینک و فریب خود کوشیده است تا حق ۴۰ ساعت کار و روز تعطیلی در هفته را که با خون خود و طوسی مبارزات مستمر خود بدست آورده ایم مسالمانه در جهت تحکیم بیرونی‌های رژیم طاغوتی بحساب آورد!!! و بسا کودنی هر چه تا متر میگوید که دور روز تعطیلی در هفته عوامفریبی می‌باشد و هر کس بگوید دور روز تعطیلی در هفته "بیگانه‌پرستان" است و از این قبیل مزخرفات که دیگر گوشمان از بی‌آنها را در زمان شاه جلا دور رژیم جمهوری اسلامی شنیده‌است، به آنها عادت کرده‌است! برادران کارگر!

کسانی که دستشان پینه بسته است و برای سیر کردن شکم و وجه خود عرق شریف خسته اند و در شرایط طاقت‌فرسای خوزستان روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار نکرده اند و همواره از دسترنج دیگران خورده و شکمشان را گنده کرده اند طبیعتاً است که نمیتوانند بفهمند مسائل ما کارگران کدام است و دردمان چیست و از اینرو با بدهم همصدا با سرمایه‌داران ما را بخاطر خواسته‌ها - یمان "فدا انقلابی" و "عامل بیگانه" خطاب میکنند...

بازگشایی کارخانه فیبر با پس‌در سایه همبستگی کارگران مبارزان

بکار می‌نماید. حال اینجاست که کارفرمای جدیدی که از طرف فرمانداری واداره کار با بل منصوب شده از عناصرد کارگری است که سال قبل کارگران مبارز او را بخاطر طرفداران ریش به رژیم مزدور شاه و اعمال ضد کارگری از کارخانه بیرون انداختند.

البته کارگران در سایه همبستگی و تشکل خود موفق میشوند خواهستهای خود را بصورت زیر بمورد اجرا درآوردند.

۱- کارفرما حق توهین و ناسزاگویی به کارگران را نداشته‌اند.

۲- کارگران بر تولید کنترل و نظارت خواهند داشت. بقیه در صفحه ۴

کارخانه فیبر با پس را تا ریخ ۵۹/۵/۵ با فرماندهی اسلامی مدیران و بدستمال دادن ۶ روز مرخصی اجباری به کارگران تعطیل شد. کارگران پس از گذشت ۱۳ روز متوجه توطئه شده و برای بازگشایی کارخانه شروع به فعالیت میکنند. آنها ابتدا شورای خود را تشکیل دادند و سپس با اتحاد و همبستگی و همراهی با مراجعات دستجمعی و سیاسی به استانداری ما زندران فرمانداری و اداره کار با بل و... موفق میشوند رژیم جمهوری اسلامی را وادار به تائید مین مواد اولیه و بازگشایی مجدد کارخانه بنمایند.

وبدین ترتیب کارخانه از تا ریخ ۵۹/۶/۲۰ شروع

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

ن	ک	ش	ج	آ
۶۸۱۰	۲۰۰۰۰	۱۴۹۵	۱۱۵۰۰	۱۶۲۰۰
۱۳۴۲۰	۷۸۱۰	۲۲۰۰	ج	الف
۴۳۰۰	۲۰۰۰	۱۰۸۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰۰
	۱۶۰۰۰	۴۰۲۰	۹۸۰۰	۲۱۵۰
ه	ل	ط	ر	ب
۱۲۸۰۰	۳۰۰۰	۶	۹۰۰۰	۲۰۰۰۰
۷۲۰۰		۵۸۶۴۰	۴۰۰۰	۱۴۰۰
ی	م	ع	ز	پ
۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۶۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۸۵۰۰
۲۴۰۰	۲۲۴۵۰	۲۳۲۰	۱۰۰۰۰	۸۷۰۰
	۲۲۹۰	۲۳۲۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰
	۷۰۰۰	ف	س	ت
	۱۸۰۰۰	۴۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۱۰۰
	۷۷۰۰	۱۱۴۰۰	۱۲۰۰۰	ج
	۳۹۱۰	۳۸۰۰	۲۲۰۰	۲۵۰۰
	۶۱۰۰	۲۹۰۰	۲۹۰۰	ج
	۲۶۲۰	۲۱۲۰۰	ش	ح
	۳۹۹۰		۳۲۲۰	۳۰۰۰

- ۱- رفیق کارگروه آرسا زمان در پیلا بيشگاه جنوب مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۲- زلفای هوادار در نسا جی های تهران کمک مالی شمارسید.
- ۳- رفقای هوادار آرسا زمان در جوادیه، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۴- رفیق هوادار آرسا زمان در قم، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۵- رفقای هوادار در شونه دشت (مازندران) مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۶- رفقای (ع-ن) (و-ش) ۱۹۱۷ (هدایای شمارسید).
- ۷- رفقای هوادار آرسا زمان در قیرمبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۸- رفقای دانش آموز هوادار آرسا زمان در شیراز (رفقای کاک فواد) مبلغ ۵۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۹- رفقای دانش آموز هوادار آرسا زمان در شیراز مبلغ ۹۱۵۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۰- رفقای دانش آموز هوادار آرسا زمان در کرج مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۱- رفیق هوادار آرسا زمان در گانادا، مبلغ ۷۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۲- رفیق هوادار آرسا زمان در آمریکا، مبلغ ۱۴۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۳- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در منچستر، مبلغ ۵۱۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۴- دهقانان انقلابی یکی از روستاهای نور، مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۵- پیوند با کارگران و زحمتکشان و جلب اعتماد آنها یکی از مهمترین اهداف هر سازمان کومنیستی است. موارد زیر نمونه هایی از افتخار آفرین آزادیخواهان می دهد.
- الف- یکی از رفقای کارگروه آرسا زمان با ارسال مبلغی بعنوان کمک مالی طی نامه کوتاهی خود نوشته است:
- ... من یکی از هواداران این سازمان هستم و کمی از دسترنج خود را برای شما میفرستم تا در راه آگاهی و آزادی طبقه کارگر صرف شود.
- ب- یکی از روستائیان مبارزان با اهدای گوسفندی بعنوان کمک مالی، اعتماد خود را به سازمان نشان داده و تعهد انقلابی ما را بیشتر کرده است.

۴- حلوکیری از حرکات اعراضی و سرخو کارگران همین اواخر یعنی اوایل سرما ۵۹ه صداد ۶۰۰ نفر از کارگران آسراجه بصلت جمی کار بعد از مدتها مبارزه برای گرفتن فوق العاده دستمزد دست اعصاب زدند. کارگران کارخانه را آنها حمایت کردند ولی فدائیان با طرح این مسئله که "در شرایط حاضر اعصاب صحیح بسط خطوی آنها ایسا دند و در مقابل اعتراض آنها سعی در برطرفه اندازی کردند، بطوریکه دوسفر ارفدا نشان گفتند که ما حاضریم در قسمت سما که کارش سخنراست بدون فوق العاده دستمزد کار کنیم و سما هم بجای ما کار کند و به این ترتیب با صرفه اندازی حرکت آنها را مطلقا به شکست رسانده اند.

۵- نیو بر خورده نیروهای انقلابی و کمونیست - سیوه بر خورد آنها به ما بر نیروها (مهای راه کارگر) طور است که ما عدنا باید فقط خود را از وحشت کومنیستی (!) طبعدا دعا بند و ما بر نیروها را خارج از جنبش آریایی می نمایند. فدائیان (عبلا (عبلا از اسرار کار (۵۹) عملا این کار را در مورد ما بر نیروهای سیاسی انجام داده اند. بویزه بر خورد آنها به نیروهای اسکیل دهنده طیف ۳ بویزه بیگا ربا سطلاح "ما کوی" است. این انفکری بجای رسیده که رفقای ما از نظرا مبینی در خطر جدی هستند.

۶- بر خورد ارسالا برای بوجود آوردن شکلات عمومی کارگران فدائیان برای بی پایه کردن و در واقع نابود کردن "شورای متحد" که تحت هژمونی آنها نبود از هیچ کاری دریغ نکردند. آنها تلاش کردند که از بالا "مجتمع صنعتی غرب" را بوجود آورند و در مقابل "شورای متحد" قرار دهند. علیها "شورای متحد" از هرگونه سمپاشی فرود گذار نکردند. اپورتونسم را در فدائیان (اکثریت) آنچنان رشد کرده است که به توفلی بگروزه ره مدعا له رفته اند و در حال حاضر حرکت آنها در این کارخانه با خائنین سوده ای هیچگونه تفاقونی ندارند. بر خورد فدائیان (اکثریت) با مبارزات اخیر کارگران این کارخانه کویای بارزین واقعیت است که ما دیلا به توضیح آن می پردازیم:

ادامه دارد

تهاجم به خوابگاه دانشجویان و تندی یورش به دانشجویان، دانش آموزان

اوباشان و پاداران رژیم در هفته گذشته سیه خوابگاه دانشجویان ترتیب مطلم حمله کرده و پس از در هم شکستن وسایل دانشجویان، بی رتا با گاز اشک آور و اذیت و آزار دانشجویان، عده ای از آنها را دستگیر کرده، آنها را از خوابگاه بیرون می کنند. دادستانی ضد انقلاب نیز به سیه خوابگاهها اخطار کرده است که از خانه های خود بیرون بیرون در غیر این صورت با حوادث مشابه روبرو خواهند شد. ندا و ام خارج مصلمین انقلابی در سرا سر ایران و سرگزارای راهیما را اول مهر برضد دانش آموزان و مصلمین انقلابی نشان میدهد که رژیم در این شرایط نیز بیشتر ترسی خود را در سرکوب گندام نیروها بکار می برد.

مبارزات کارگران ...

محور فعالیت فدائیان در کارخانه عبیدی عبارت بود از: حرکت درجا رجوب ماسونی، ممانعت از حرکات اعراضی و سرخو کارگران، تشویق کارگران به کار هر چه بیشتر، به سازش کشاندن مبارزات کارگران (در جریان تحصن و اعتصاب)، دفاع از مدیریت و تسلی و ترساندن کارگران از اینکه حرکات اعراضی باعث ردم کردن مدیریت میشود ...

اینان در تکمیل حرکت "پروپاگندای خود اعسای نیروهای انقلابی درون کارخانه بویزه "پیکار"، عدم همکاری و مشورت در هسته مرکزی کارخانه (مسکسل از کلیه نیروهای م. ل. با مدیران) از ادر سور قرار داده اند.

خط کار فدائیان در این کارخانه قبل از انتشار "کار ۵۹" دقیقاً بر این خط انطباق داشت و حتی از نظر امنیتی رفقای ما مدعی است که از جانب آنها تکرانی ندارند. همین حرکات باعث شده بود که ما با تکرانی زیبا دی نشریه شماره ۲ کارخانه را منتشر کنیم که مورد استقبال کارگران قرار گرفت ولی موشگری آنها و در واقع افشای رفقای ما (بطوریکه کارگران خبردار شدند که این نشریه را چه کسانی در می آورند)، ما را از ادا ما کار برای مدتی موقتا منصرف نموده است. بطور خلاصه حرکات و شیوه برخورد فدائیان در این کارخانه تریبها هیچ تفاقونی با برخورد حزب نبوده خائنین نداشته است.

در ماهی اخیر حرکت فدائیان را در کارخانه حول چند محور با بدبر خورد نمود:

۱- بالا بردن بهره وری تولید - فدائیان در این کارخانه حتی قبل از انتشار "کار ۵۹" هرگونه حرکت اعتراضی کارگران را محکوم می نمایند و جلوی آن می ایستند. آنها در قسمت های خود (میزهای کسار) آنچنان به سختی کار می کنند که سرپرستان همواره آنها را به مبارزات کارگران نشان میدهند که "از اینها یا دیگری!" و در این رابطه مبارزات کارگران را تشویق به کار هر چه بیشتر می نمایند. اخیراً آنها در این دامن زدن به رفقا بت در تولید تا جایی پیشرفتند که تولیدشان از یکی از میزهای که کارگران قدیمی روی آن کار می کنند و تاکنون در طول حیات کارخانه ما به نداشتن است که کسی بتواند از نظر سطح تولید به آنها برسد. جلوزده اند و رکورد جدیدی در تولید بدست آورده اند. این کار حتی از نظر روحی به آن کارگران قدیمی که رکورد خود را از دست داده اند لطمه زده است. لازم شد کار است که در این کارخانه ما با شورائی وجود دارد، چه برسد به شورای واقعی که فدائیان به این بها نه و بر ما را استدلال خودشان خواسته بنا شده به هر وری را با لایبرند! در ضمن خود این فدائیان و حرکتها ی آنها درجا رجوبه های قانونی همواره بصورت یک مانع جدی برای ایجاد شورای واقعی کارخانه بوده است.

باقیه از صفحه ۳ بازگشایی ...

۳- مدیریت کارخانه حق اخراج و یا استخدام کارگر نداشته و نتوانه مورد عهده شورای کارگران است. مستحکم با دیپوند کارگران کارخانه قیبریا بلسر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با چشم باز در افق خونین کردستان

خطرات يك سرباز (۵)

گيست که بتواند آن زندگی هائی را
که بمباران میشوند توصیف کند؟

۳ اردیبهشت

۳ روز است که صدای مهیب خمپاره - انداز و شیربارگوش آدم را کر میکند. هر در محاصره آتش است ولی قهرمانان مقاومت میکنند. ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به آ ماده - با شاداندند. امروز صبح گردان هواپرد - با تمام تجهیزات حرکت کرده بود و اینک نوبت ما بود. این همه قوا برای سرکوب ظنی که مسلحانه از حقوق خویش دفاع میکند، تجهیز شده است. گروهان، گروهان اما ده برای سرکوب میشوند.

با آرایش رزمی از پادگان خسارچ ندیم، به بالای تپه رفتیم. در حین دو سه کیلومتری ما تپه بزرگی بود که میبایست بدانجا برویم. هنگامی که به تپه نزدیک شدیم، خمپاره ۸۱، توپ ۱۰۶، شیربار ۷۲-۱۲ (کا لیبیره ۵) بگرا افتاد و با حداکثر قوا دامنه را کوبید. در آنجا قسمتی از خانه های شهر قرار داشت. اما جا همیشه داشت. هدف کوبیدن بود.

پس از یک ساعت درگیری گروهانسی که در جلوی ما قرار داشت عقب نشینی کرد اما بالای تپه چند تن از افراد شیر خورده بودند، که به گروهان ما دستور کمک داده شد. اوضاع غریبی بود. هلیکوپترها و فانومها بطور مداوم شهر را می کوبیدند ستونهای آنرا در در سرتا سر شهر بچشم می خورد. شهر سوخته از آتش. آیا کلمات میتوانند این وحشیگری ها را توصیف کند؟! شهر آتش گرفته بود. اما کیست که بتواند آن زندگی هائی را که بمباران میشوند، توصیف کند؟...

یکی از هلیکوپترها در سطح پائینی حرکت میکرد و با شدت بر روی شهر کبار می گشود. یک گلوله به آن اما بت خورد. هلیکوپتر آهسته آهسته وسوسه بر عتق به پائین افتاد. در دو غلیظی برخاست شهر قهرمانان از هستی خود دفاع میکرد. تعدادی سربازان زگروهان ما ما مور شدند تا به گروهانی که در جلوی ما قرار داشت کمک برسانند. بعد از چند لحظه به ما دستور داده شد که به پادگان برگردیم باقی گروهان شب برگشت. ۳۰ سرباز کشته و ۴ نفر زخمی شده بودند. علاوه بر تپه هم از دست رفته بود.



هنگام شب، در آنجا اینکا و لوله های برپا بود. چند تا از سربازان کریمه می کردند. بخاطر کشته شدن دوستانشان اشک میریختند. آه، اگر آنان در می یافتند که فاضل واقعی رفقایمان نظامی است که برای منافع سرمایه، انسانها را قربانی میکند، اشک نمی ریختند و بجای آن قلبشان بر آرزو فقرت میشد. آنجا به از هم می جنگیدند. اما جنگی عادلانه، برای ویران کردن نظام سرما بیداری. هسوا تا ریک شده بود که هلیکوپتری فرود آمد. بیش از صد نفر با سواران لباس ارتشی از آن پیا نه شدند. "الله اکبر" گویگان بظرف آسایشگاهها میرفتند. به چهره های جوان نشان نگریمت. قطعا به آنها گفته بودند که به جنگ با کفار میروند!

۴ اردیبهشت

دیگر به صدای مداوم اسلحه های سبک و سنگین عادت کرده ایم. روزها از بی هم میگذرند و هر روز برای سربازان خاطراتی ناخوش بجای میگذارد. ساعت ۷/۵ صبح بود که خبر آوردند که یکبارک موسور در آنجا با بت ترکش خمپاره کشته شده است. او را می شناختم. از خانواده ای زحمتکش از عشا بر شیراز بود و اینک عمر کونسا به برزخش اینگونه بسر آمده بود.

امروز صبح زود پادگان به داخل شهر رفته اند. پادگان حملاتش را دوباره بر کرده است. تا نکجا پادگان را همراهی میکنند و فانومها بیشتر مانده شهر را می کوبند و پادگان می کنند. هلیکوپترها رگبارهای سربازان را بر مردم فرو میبارند. ساعت ۱۱ خبر می آوردند که شهید دست پادگان افتاده است و ارتش با بدیه کمک آنان برود. مسخره است! آیا از شهر چیزی هم باقی مانده است که تصرفش افتخار آفرین باشد؟! سربازان خوشحالند. شادینان هم مثل دشمنی شان کوراست

سپاه میخواد هنجک نیا سدوآنا ن جان سالم بدر ببرند. "پیروزی برای آسان ستمای زنده ماندن دارد. اینک شهر ویران شده. اینک زنان، مردان و کودکان کشته شده اند و خانه و زندگی شان از دست رفته. اینها دیگر برایتان اهمیت ندارد و طبیعتی است که بنا شده با شد. بیثباتی به مهره ای در کشتار خلق بکار گرفته میشوند و موقعیتشان به آنا ن جنبین روحه ای می بخند. بعد از ظهر چند نفر از گروهان ما با دلاوری به شهر رفتند. در سیم تنیدیم که دو دختر جوان را با اعلامیه و کتاب گرفته اند.

جمعه ۵ اردیبهشت

ارتشی که "پیروزی" را با بمباران شهر و مردمانش بدست می آورد، میسوان فکر کرد که با مردم چه خواهد کرد. دسروز دهها نفر از زکرها را به پادگان آورده بودند. در یورش و حمله به شهر، آنا نرا دستگیر کرده بودند. مردهای جوان را در بیرون جمع کرده بودند و زنها و بچه ها و پیر مردها را در مسجد، بنا شده بود که مردهای جوان تسلیم دادگاه شوند. (به چه جرمی؟!)

شهر منهدم شده است. بمباران های مداوم و وسیعانه چهره زیبایی سنج را له کرده و در هم پیچیده است. اما خلق قهرمان کرده و مقاومت میکنند. رادیو و تلویزیون هنوز در اختیار "بیمرگها" است. درگیری دیروز به نفع کشته شده اند ارتش حمله میکند بنجوی کا ملا غیر انسانی اسرمیکرد. از هر خانه چند نفر به سیوه یک ارتش اشغالگر دستگیر میکند. بچه های برهنه و خاکی کریمه کنان بدنیا ل آنها میدوند و پیرزنان بر سر می کوبند. شیون وزاری آنچنان بالا میگیرد که سربازان را آزار میدهد.

سربازی که کنار من میخوابید، نا پدید شده است. گویا در شهر شیر خورده و همانجا مانده است. بجای خالین تکه می کنم. عاقبت خودش هم در شایستگی که چرا می جنگد. و اینک ما پیدا و مرده ها شد! بهر حال چنین سرنوشتی در انتظار رهبریک از ما هست. امروز صبح رادیو می گفت که تا ساعت ۲ بعد از ظهر به شهر مهلت داده شده

است تا خود را تسلیم کند. حنده آورا است از شهر چه باقی گذاشته اند؟! همه خانه ها منهدم شده است و ویرانی بی نهایت است. اما حاکمان شهر سوخته مردانها، پیمانده و بدخلق گفت: "خلق پیروز است".

گذری بر خطرات

در این بیست روزی که در منطق ما کرمانشا و کردستان بسر برده ام، بیست واقعه ای بسیار بدست ما فسیل ام. مسائل کلی که فاضل از این دربار آن تردید داشته ام، اینک بر ما بمحل داده است. این واقعه ای که همه تجهیزات تسوی - المادهای که میمانده برای سرکوب کردستان اسباب این واقعه کدر رفتن به مرز عراق بهانه ای پیش نبوده. و بنا می آید که میگذرد: تنها جرات ارتش و پاسدار - آن در منطقه، بمباران و حمله به شهر سنج سرکوب بیرحمانه مردم، دروغانی از رادیو و تلویزیون... همه و همه خیلی خوب ثابت میکنند که هدف حکومت سرکوب مبارزات خلق کرد است و ارتش و پاسداران و سایل این سرکوب هستند. بنی صدمه خوانستار شدن شدت عمل. و تا شیدکا مسل این سرکوب، موضع طبقاتی خود را روشن کرد. همچنانکه در مسئله دا نکا هوی نشان دارد. نشان داد که از منافع کدام طبقه پشتیبانی میکند.

و من جز این ارتش هشتم، به همراه سربازان بیماری که خواهان جنگ نیستند، اما آن مثل عامیانه درست می. کویده که: "ارتشی جدا از ارتش است" مسا چه خوب با سیم وجهید، مثل ابزار در خدمت دستگاه ارتش هستیم که ما ابزار سرکوب مردم و ستون فقرات فدا خلق است در این بیست روز ما عاتت بسیار تلخی داشته ام. در تمام این ساعات مبارزه جانانه خلق کرد، بیش چشم بوده است. چه دلاوران می کنند. ایما نشان از حقانیتشان است. این را میدانم.

با خود فکر میکنم چگونه بسیاری از مردم ما به واقعه ات آکا هستند. اگر چه اخبار را اطلاعیه هائی که از رادیو و تلویزیون پخش میشود مردم را به آرامش دعوت میکند، نشان میدهد که مردم رفته رفته در تنبیدار میشوند. (اما مدهارد)

گفتنی شد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان
اتحادیه تشکیلات بلوچستان - شماره ۲۹، ۶، ۱۶، ۵۹، ۱۰، ۴۰

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



اعتصاب کارگری در آلمان شرقی

جلوه‌ای دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی

هفته گذشته کارگران راه آهن دولتی آلمان شرقی در برلین شرقی اعتصاب کردند. انگیزه اعتصاب کارگران، بی‌اشتباه بودن دستمزدها، کثرت ساعات کار، و عدم وجود امکانات رفاهی مناسب برای زندگی بود. حزب دولت بورژوازی رومیزیونیست آلمان شرقی، برای مقابله با کارگران و جلوگیری از رشد و گسترش دامنه اعتصاب به دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی، حدود ۴۵ نفر از کارگران راه آهن را اخراج نموده و علاوه بر امتناع از مذاکره با نمایندگان کارگران، کارگران را به اخراج تهدید کرده اند.

بدنبال اعتصابات عظیم کارگری در لهستان، اکنون موج مبارزات کارگری در کشورهای بورژوازی رومیزیونیستی اروپای شرقی زویه گسترش است. اعتصابات کوچک و بزرگی که در این کشورها روی میدهد، مبین وجود مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه طبقه حاکم و مسلط بر آنهاست. چه این اعتصابات نتیجه ناگزیر استعما طبقه کارگر، دستمزدهای کم و شرایط طاقت فرسای کار روزندگی می باشد. این انگیزه ها که طبقه کارگر اروپای رومیزیونیست آلمان شرقی به مبارزه کشانیده است، بهیچ وجه در نظام موسیالیستی مفهومیندا زند، بلکه تشنه و تشنه در مناسبات سرمایه داری و تحت حاکمیت بورژوازی است. که این پدیده ها برای طبقه کارگر در زندگی و مبارزه اش قابل لمس می باشد. در کشورهای روسیه و اروپای شرقی، بعد از استعصاب کارگران کمونیست این کشورها به حزب بورژوازی رومیزیونیستی مناسبات استعما کارگران ایجاد شده است و در حقیقت استقرار مناسبات سرمایه داری و حاکمیت بورژوازی است که باعث مبارزه طبقه کارگر است. کشورها گردیده است. بهرستی میتوان گفت که مبارزات کارگری در اروپای شرقی در محدوده لهستان و آلمان شرقی باقی نخواهد ماند. چه به سبب رشد بحران و افزایش فشار سرمایه بورژوازی بر طبقه کارگر، و کارگران روسیه و تمام کشورهای اروپای شرقی، در سنگر پروتسارهای جهانی و بیمنابزه جزئی از آن، بهر علیه سرمایه جهانی و برای رسیدن به موسیالیسم را شنیدن به بیگانه خود را می خواهد دید. در این راه از حمایت طبقه کارگر سرانجام نیز برخوردار خواهند بود. آنچه که با بدو در تحلیل ما از مبارزات کارگران

در کشورهای بورژوازی رومیزیونیستی حاکم و سرمایه داری داشته اند عبارت است از:

۱- افتای ماهیت طبقاتی رومیزیونیسم، سیاستها و عملکردهای آن در شما زمینه ها و افتای ماهیت "موسیالیسم" دروغین شوروی و اروپای شرقی کسسه نقاب بی فریبندگی برای سرمایه داری دولتی در این کشورهاست. حمایت بیگانه و فعال و همه جانبه از مبارزه کارگران اروپای شرقی نمی توان انجام گیرد مگر آنکه مبارزه های سرخسخته و آشتی ناپذیر بر علیه رومیزیونیسم و موسیالیسم همراهی باشد.

۲- افتای تبلیغات و توطئه های امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی، کشورهای ارتجاعی رومیزیونیستیهای خاصه جهانی و روشن ساختن مرز میان برخورد و تحلیل کمونیستها و برخورد و تحلیل خائنین به خلق طبقه کارگر.

امپریالیستها و کشورهای ارتجاعی، میسارزات کارگران اروپای شرقی به ویژه لهستان و آلمان شرقی را مستحکام اهداف ضد کمونیستی خود قرار داده اند. اینان که در استعمار و جنبه طبقه کارگر در غروب و کشورهای وابسته، دست کم از موسیالیسم امپریالیسم بورژوازی رومیزیونیستی ندارند، با تبلیغات دروغین و عوامفریبانه خود، حول مبارزات کارگری در اروپای شرقی، در پی آشناندن کارگران و زحمتکشان را از نظام رها می بخش موسیالیسم و کمونیسم تراشیده اند. آنها با

"موسیالیستی" فلعدا دگر کردن شوروی و افتراض مذبوحانه میخوابند سرمایه داری و اعتصاب کارگران را معلول نظام به اصطلاح موسیالیستی اروپای شرقی نشان دهند، غافل از اینکه طبقه کارگران این کشورها، درست بر علیه مناسبات سرمایه داری و برای ایجاد نظام موسیالیستی واقعی مبارزه میکنند.

رومیزیونیستیهای خاصه جهانی که با اصطلاح برای طبقه کارگران اروپای شرقی دلسوزی میکنند، در خدمت امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و بورژوازی نوین چین و در خدمت با فظ امپریالیستی روسیه، عوامفریبانه تلاش میکنند که مبارزات کارگران را بر اساس تئوری ضد خلقی سه جهان در جهت اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود، به انحراف بکشانند. هابیهوی دار و دسته های ارتجاعی سه جهانی بهیچ وجه در خدمت حمایت و تقویت مبارزات کارگری نیست بلکه در جهت تضعیف مبارزات کارگری و دور شدن کارگران از راه رسیدن به موسیالیسم واقعی و افتادن بدامن امپریالیستیهای غربی است. کمونیستهای راستین وظیفه دارند ضمن حمایت فعال و همه جانبه از مبارزات کارگری در اروپای شرقی، در مسیله های دار و دسته های رومیزیونیستی، امپریالیستی و ارتجاعی را افشا نموده و مبارزه بیگانه بر علیه رومیزیونیسم و موسیالیسم امپریالیستیهای غربی، خروشنجیها و سه جهانی های خاصه، آنها را طرد نمایند.

راه رشد غیر سرمایه داری عراق. سلاح های شوروی و فضای رومیزیونیستی

تا همین چند روز پیش مسکو و عمالشان از موسیالیسم بعث عراق "سخن میگفتند و پیشرفتها را مدام حسین را مکرراً "در راه موسیالیسم" میستودند، کارشان همان نظامی مسکو در عراق بودند و رابطه گرم اقتصادی - سیاسی در بینشان حاکم بود، شوروی تهیه کننده اصلی سلاحهای رژیم بعث بود، و اکنون عراق با سلاحهای روسی با رژیم ایران میجنگد، شوروی در ۱۹۷۲ فرار داد دوستانه تطویل المدی با عراق امضا کرد و در ۱۹۷۸ فرار داد محکمتری برای فروش بیشتر سلاحها با عراق منعقد شد پس از تهاجم عراق به ایران در هفته گذشته تا روح عزیز عمر برجسته شوروی فرماندهی عراق به مسکو عزیزت کرد، طبیعی است این ملاقات در اوج جنگ با ایران نشانه کیفیت روابط عراق با شوروی است. گرچه عراق اخیراً سیاستهای نزدیکسی بنفر با اتحاد کرده و کوشیده بود تا بیشتر در مدار وابستگی به امپریالیسم غرب قرار بگیرد اما این امر مانع از آن نشده حتی در هفته های اخیر فروش سلاحهای روسی به عراق و تحویل این اسلحه در بصره انجام نگیرد.

طبق گزارش خبرنگار ریه، بر او نوشته است کسسه آمریکا میکنند ایران را در مقابل عراق قرار دهد. با این روابط حسنه سوالی که اینجا با بدو خائنین بوده ای رومیزیونیستیهای فدا می کردا نیست کسسه سیاستهای کشور "موسیالیستی شوروی" چگونه سیاستهای آنان در شما دگر را میگیرد که برای جنگ با عراق بهمیدراندند، پس با سیاست آنان شاد است پس سیاست شوروی ولی با سخ درست اینست که منافع شوروی است که خود سلاحها بش را در رژیم فاشیست عراق بفروشد و در ضمن رومیزیونیستیهای اسرائیلی نیز با مدح رژیم جمهوری اسلامی سعی کنند جای پای برای او باز کنند.

بقیه از صفحه ۸ تعطیلی...

(مانند کردستان، ترکمن صحرا، جنبش کارگری، اول اردیبهشت و...) و هم اقدامات فرمیزیستی تو مارا ترجیح میدهند و بجای تعطیل کردن دانشگاهها بلند، دانشگاهها زبانشان را دانشجویان را بجای مبارزه انقلابی به لیبرالیسم و فرمیزیسم بکشانند.

۴- رهنمودهای فوق نه تنها به دانشجویان داخل کشور بلکه همچنین به دانشجویان انقلابی خارج از کشور نیز هست آنان با بیستی به مبارزات خود نه تنها حول افشای جنبه های ارتجاعی رژیم بر علیه زحمتکشان و خلقها (کردستان و...) بلکه برای افشای جنبه های رژیم در دانشگاهها و بستن دانشگاهها نیز شدت بخشند و به زحمتکشان جهان ماهیت رژیم که میخوابد دانشگاهها را ببندند تا مانعی در آنگاه شدن نماند، را بشناسند.

توده ها نمی توانند بهیچ درستی از آیدی تعطیل با شتاب افتاگری وسیع و سازماندهی میتوان رژیم را وادار به بازگشتی دانشگاه کرد
البتة رژیم خواهد کوشید با تبلیغات خود، به بهانه جنگ با عراق مسئله بازگشتی دانشگاهها را لوٹ کنند. طبیعی است که ما ضمن محکوم ساختن این جنگ ارتجاعی و افشای هدفها و بهیچ بردارهای رژیم ایران از این جنگ همچنان بر روی مبارزه و افشای کاری بها طرفداران کثای دانشگاهها فشاری خواهیم نمود.
دانشگاهها سنگر آزادی است و به همت توده ها سنگر آزادی نیز خواهد ماند.

بقیه از صفحه ۱۱ آمریکا...

دست میزند. اما کارگران و توده های زحمتکش منطبق و ایران "بهنده خوبی" برای امپریالیستها و در اینجا امپریالیسم آمریکا و همه رژیمهای ارتجاعی تدارک دیده اند؛ آنان شعله انقلاب را فروزانتر خواهد ساخت.

تعطیلی دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی توده‌هاست

دراکثر کشورهای تحت سلطه چون کشور ما، دانشگاه در بیکار و دمکراتیک و فدا میریایستی خلقها، اهمیت ویژه ای میابد، دانشجویان که هنوز به بوروکراسی نظام وابسته بیرون نخورده اند حساسترین بخش روشنفکرانته سیاست آنان از اینرواست که از نظر عینی هیچگونه جایگاه افتاده طبقاتی را نیافته اند و در عوض ذهنیت آنان بر مبنای ستمگیری بسوی طبقات گوناگون جامعه است که شمیم می کند، مبنای روشنفکران طبقات مختلف به بورژوازی و بسا کارگران تعلق دارند، آنان آئینه تمام نمای گروه های سیاسی جامعه اند و بدین ترتیب نیروهای انقلابی درون جامعه را بخوبی در درون خود متعین می کنند . امکان بیشتر دستیابی آنان به دانش و آگاهی دانشگاه را بصورت کارکنان انا عهده آگاهی درمی آوردن گرچه نیروهای فدا انقلابی نیز در درون دانشگاه همیشه دارای پایگاه بوده اند، اما تا ریخچه مبارزه پر شور دانشجویان انقلابی بخوبی نشان میده که این انقلاب بوده است که دانشگاه را زیر سیطره خود درآورد، در حقیقت با رترین شرایط جامعه، در دل سیاهیهای دیکتاتوری محمدرضا شاه دانشگاه ستاره تابناکی بوده است که یکدم از مبارزه علیه امپریالیسم و رتاج با زنا بیستاد



۱- شاه خائن با دانشجویان انقلابی چه میکند؟

رژیم فدا خلقی تا ه دست به تیرباران زندان و شکنجه دانشجویان انقلابی می زد تا شاه پید دانشگاه، ایسن سنگر مستحکم را درهم کوبد، ساواک اهریمنی خویش را با شما منبر و بیکار می گرفت تا دانشگاه را به یک لانه پلیدی بدل سازد، بطوریکه سریعاً عناصر مبارز و انقلابی را شناسایی، دستگیر، زندان و یا تیرباران کند . رژیم فدا خلقی شاهکار در دانشگاه را ایجاد کرد تا نظرات دانشجویان انقلابی را درهم کوبد و هرگونه فربا دآزادخواهی را در گلو خفه کند .

رژیم فدا خلقی شاه تهنه تنها هر فعالیت سیاسی را با شکنجه و تیرباران یا سخن میگفت، بلکه مانع از فعالیت های صغی ما نبود که بخانه دانشجویی و کوهنوردی و... می شد .

اما با اینهمه دانشگاه، چون رعد در شب تیره می - درخشید و ما عقده های آگاهی را بسوی توده ها پتاب می کرد اما عتصابات و نظرات دانشجویی، نظرات فیابا بی بخش اعلامیه ها و تراکتها و نیز شرکت فعال دانشجویان انقلابی در جنبش خلق و گروه های سیاسی احترام خاصی به دانشگاه در نزد توده ها می بخشید .

خلقهای قهرمان ما، هرگز خاطر صدمه دانشجوی انقلابی که در راه مبارزیایم جنگیدند و خون سرخشان میدانهای تیرو سگ فرخ خیا با آنها را گلگون کرد، فدا موش نخواهند کرد . مهدی رضا شیا، احمدزاده ها، محمدرضا آخوندیها، محبوبه متحیدن ها و صدها شهید



مهدی علوی سونتری

● خون موذنها، شوشتریها و معتمدیها... نشانه میثاقی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش بسته اند

— های میلیونی توده ها در یک محل برگزار میشوند .
"دانشگاه" و بدینگونه خلق دانشگاه و شهیدانش را باس میداشت .



۲- رژیم جمهوری اسلامی با دانشگاه چه کرده است؟

شاه سرنگون شد و میوه جینان انقلاب از فراز بیکر های خونین هزاران شهید گذشتند و بازش با امپریالیسم بر تخت قدرت نشستند و از زمان آغاز به سرکوب خلق و بازاری سرمایه داری وابسته برداختند و از زمان آغاز دانشگاه چون کارگران، زحمتکشان و خلقها در امان نماند .

مگر میشود دانشگاه سنگرزادی باشد، آگاهی را به

میان توده ها ببرد و بر علیه رتاج و امپریالیسم

بروزد و رژیم جمهوری اسلامی که دشمن آگاهی و آزادی و

حافظ منافع امپریالیسم است، با آن کار نداشته باشد؟

نورهای دانشجویی بی اعتبار شد، انجمنهای اسلامی دانشجویی نقش ساواک را در شنا سازی دانشجویان انقلابی ایفا کردند، جای کار رده دانشگاه را چاقا قدران حزب الهی گرفتند که وقتی دانشجویان موفق به دستگیری آنان میشدند کارت کمیته ها و بسا با سازان از جیشان بیرون می آمد! (ما نتدحا دهه دانشکده فنی که به روزنامه ها هم کشیده شد .) دانشجویان انقلابی باز همه زندان افتادند و شلاق خوردند و تضییقات و فشارها فزونی گرفت، از سوی دیگر دانشگاه نیز مانند کردستان از معدود مناطقی بود که رژیم نتوانسته بود دستا وردهای قیام بهمن ۵۷ را در آنجا با زین گیر و دغیر غم محدود شدن تدریجی آزادیها و فزایش سرکوب، قلب دانشگاه

دیگر که با دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه، این گلهای خونین انقلاب در قلب توده ها جاودان خواهد ماند . مگر میشود دانشگاه را فدا موش کرد، آنرا ن که بهشتی ها درها میبورد مشغول زد و بسند با سفارخانه "شاهنشاه آریا مهر" بودند و با زبان کتاب درسی شاهنشاهی میتوشند و با زرگانها و میتاچی ها برای "اعلیحضرت های بونی" شاهنشاه بیت شوم میفرستادند .

آیتها در نرسد بقیاتی مزدور، درس جاسوسی را فرا می گرفتند و بسیاری از "مراجع تقلید" به مجیز - کوئی دربارها می مشغول بودند و با حدا کثر سکوت میکردند و فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی یعنی فلاحیها و ظهیرنژادها و با فربها و... مشغول کشتار انقلابیون و خدمت به "شاهنشاه بزرگ ارتشداران بودند و... دانشجویان انقلابی بجرم عشق به خلق در روی اجاقهای شکنجه گاهای کمیته ها و وین کتاب می شدند و با آنقدر تلاق میخوردند که بدنشان تکه پاره و خونین و چرکین میشد و روزی نبود که فربا دزدند با دلق - شان در جلوی جوخه اعدا م، پشت رژیم را نلرزاند، نه خلق ما هرگز فدا موش نکرد و فدا موش هم نخواهد کرد و چنین بود که توده های مادر نظرات پرشوران در سال های ۵۷ - ۵۶ هرگا که از جلوی دانشگاه عبور می کردند با شعار "دانشگاه سنگرزادی است" این دژ آگاهی و مبارزه را باس میداشتند . در سال ۵۷ که شاه مزدور دانشگاه را تعطیل کرد، این توده های انقلابی میهن بودند که با مبارزه پرشوران دانشگاه را بخودند دانشگاهی که ۱۶ آذرها و ۱۳ آبانها آفریده بود، به میعادگا خلق انقلابی بدل شد . از آن پس همه نظرات - ها به یک جا ختم میشد "دانشگاه" و توده ها فدا رهای انقلابیشان را بیکجا می گذاشتند، "دانشگاه" و میشد

دانشگاه این سنگرزادی باید گشوده گردد!

تعطیلی ...

همچنان بر مدار مبارزات دموکراتیک و جدانگیز با ایستادگی می‌تپید و آزادی‌های سیاسی بر خورده است. دانشگاه همچنان بعنوان دژی کهنه مانده و آگاهی می‌بخشد و آزادی و استقلال مینهن دفاع می‌کند و در رژیم ماسی امبرالیسم را قلمی نمود، باقی مانده بود و تحمل این برای رژیم که دشمن آگاهی و آزادی بوده و تا حدود تحمل پذیر نبود، یورشهای حزب الهی ها، دستگیری دانشجویان انقلابی، حملات گاه و بیگاه به دانشگاه و اقدامات احمقانه ای دانشجویان کافی نبود و جنس سگ که بر ما نثار شده حزب جمهوری (کدردسوار) کدانی آیت بختی عباس شده است (در بورس بیست دانشگاه کدخدت عنوان انقلاب فرهنگی طرح نمود در چهار جوت عمومی خود فوراً مورد پذیرش سنی مدرسین قرار گرفت، در دستور کدخدت و ما به اول اردیبهشت آفریده شد، دانشجویان به دفاع از سکر آزادی پرداختند و شان دادند که ما سند همیشه در دفاع از آزادی‌های انقلابی و باقی جان آمده اند، بنی مدر و حریب جمهوری فرمان فتح دانشگاه را صادر کردند، چرا که به قول سنی مدرس در آنجا فعالیت سیاسی انجام می‌گرفت و مسئله همین جا بود؛ دانشگاه باید به خون کشیده می‌شد دانشجویان انقلابی سربازان می‌شدند و پس دانشگاه تعطیل شد، چرا که در دانشگاه نیروهای آگاهی وجود داشت که از کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کردند و حمایت از رژیم در کلاسها را از ریزه شده ها و ناسیاسی نمودند. حاشا و از جمله سکر کاران شهید، رفیقهای بهرمان، احمد مودی، مهدی علوی سوسری و مهندسان - مهندسین پرور و سربازان کشتند و در روز اول اردیبهشت بد روزهای جاودانی حماسه ای مبارزانه خلق مایوس چون مودتیا، سوسریها و متمدنیها و... نثار به مباحثی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش سه اند

دانشگاه تعطیل شد "انقلاب فرهنگی رژیم کدخد" مسلسل با سواران و قهقهه جانان و بیان حزب الهی جمهوری اسلامی برپا گشت، سنجها چاره ای بود که رژیم برای سرکوب دانشگاه و نواخته بودیسا بد، او از رژیم ساد آموخته بود که دانشگاه کدخد می توانده ان دانشجویان انقلابی را پسندد یا بد ۱۶ آذر و ۱۳۰۲ آن بیان فریاد و نه یقین میتوان گفت که اول اردیبهشت خونبارتر و جنایت آمیزتر از ۱۶ آذر و ۱۳۰۲ آن و در نفس حال حماسه ای تربیدار گشت.

دانشگاه دستبند، چرا که در آن فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست انجام می‌گرفت. اما کثرتن سوده های میلیونی نبودند که بخاطر طرح کدخدان بر مبارزات سیاسی دانشجویان، دانشگاه را سکر آزادی لقب دادند و دانشگاه را به مبارزه گناه مبارزات خویش سیاسی خود تبدیل ساختند. اوجی که سوده ها بردند دانشگاه میگردید بخاطر همین افشاگریهای آگاهی جمعی سیاسی و مبارزات خویش تا باقی سعادت دانشجویان انقلابی بوده است. و رژیم سینه سی - سندها را که مساوی با رندان و شکنجه و سربازان و تعطیل دانشگاهها را مبارزات انقلابی دانشجویان جلوگیری کند.

دانشگاه به این خاطر سندها را رژیم هم عم خود مانع آگاه شدن سوده ها توسط دانشجویان انقلابی سود و فرصتی نیابد تا با سیاستی که توسط احمقهای اسلامی اردانشان

جویان، اسادان، و کارکنان انقلابی دانشگاه دارد به اخراج آنان مبارز کند و سز علاوه بر آن در این فرهنگ سیمی سوده منطبق بر فرهنگ ارجحایی و وابستگیهای خود بر آموزش دانشگاه دبکسرا لود آموزش استعماری پس دانشگاه کدخد مولود سیستم سرمایه داری و سده ها کمپرا می بود است آموزش کدخد زهم در محتوا با این حفظ و بقا سرمایه داری و سده ها سده بود سوسین کند. چرا که در انقلابی آموزش مولود دگرگونی کامل نظام و ایستادن در بر سده ها است که آن هم سها در دولتی برهبری طبقه کارگر مکان پذیر است.



۳- تعطیلی دانشگاه و وظایف دانشجویان انقلابی

دانشگاه دستبند اما دانشجویان انقلابی رهسار کارخانه ها و مراغ سندها در ده ها و سده های کتاب - فرسوی سده آگاهی در میان سوده ها با سندن، اعلامیه ها و سرانگنهای انقلابی کدخد سکر سنده و محتفای افشا - کراسان نشان دانش در مبارزه علیه دشمنان خلق از باقی سنی سندن، اما سندن این مبارزات سوده های انقلابی مینهن خوا سار را زدن دانشگاه هستند، آن - ها معتقدند که دانشگاه سکر آزادی است و با سندن آزادی باقی باقی با سندن، دانشجویان انقلابی باید سندها در سینه مبارز انیشان با سوده ها ساز هم گویند، بلکه موظفند سکر آزادی را در دانشگاه با هم برپا دارند و دانشگاه را ساز هم بدوزی مستحکم در سندها امیرالیزم و ارتجاع بدل سازند، دانشگاه باید کدخد شود تا از این سکر هم با سوده ها از رژیم خویش کارگران و زحمتکشان، سماران کردستان و ترو و تریباران انقلابیون سخن گویند بدین ترتیب مبارز برای باز کدانی دانشگاه با سینی میتوان جزئی از مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقها بیان انجام گیرد و از حمایت و پشتیبانی سوده های زحمتکشان میسر بر خورده در این راه گذشته از افشاگریهای سازمان های انقلابی و کمونیستی، سازمانهای انقلابی و

دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با کوشش بیشتر در راه با زنگنه ای دانشگاه باید به سز بر خیزند. ۱- با سندها افشاگری دلایل بستن دانشگاه برای سوده ها و بخصوص کارگران پرداخت، سابقه خونین مبارزاتی دانشگاه را با زنگنه و از آنان خواست کدخد پشتیبانی دانشجویان انقلابی برای بازگشایی دانشگاه بر خیزند.

۲- گذشته از افشاگریهای وسیع، باید دانشجویان انقلابی را حول این مسئله سازمان داد. دانشجویان انقلابی جدا از مبارزانشان در تشکیلات مستقل خویش با بدسرا فدا مات مشخص که مورد توافق همه آن تشکل - ها با سندن سندن، تجربیات کمیته ها هنگی او ل اردیبهشت نشان داد که در آنجا یک تیرو، مسئله ای را سزید به اقدامات جدا از کمیته دست خواهد زد این اتحاد، اختلافی بر سرنا کتیکهای مشخص مورد قبول طرفین خواهد بود. این اتحاد سنها با سازمانهای انقلابی دانشجویی که دارای توان لازم برای مبارزه نیز هستند یعنی تشکلهای هوا دار سندنگان، وحدت - انقلابی راه کارگر، اقلیت فدا شیان و مجاهدین (در صورتی که در آن شرکت کنند) خوا هد بود.

۳- سازمانهای انقلابی دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با سینی دست به مبارزه ای پر شور و انقلابی در افشای رژیم و حقانیت بازگشایی دانشگاه بزنند. بخش اعلامیه، نظارات، تحمن و... با هم مبارزه انقلابی منطبق با شرایط مشخص جامعه میتوانند در دستور قرار بگیرد، در اینجا با سینی با شیوه های "مبارزه" تیرالی و ریزیونیستی مرز بندی سندها افشا و طرد لیسرا لیا و ریزیونیست - های سجهانی، سوده ای و فداشی (اکثریت) پرداخت و کوسید تانیر و های منزلت بینایی را باندت محاهدین خلق هر چه بیشتر به مغف مبارزه انقلابی کشانده، باید سوده های طرفدار مجاهدین خلق نشان داد که هر چه لیسرا لیا مخالف تعطیل دانشگاه هستند و بجای سرکوب مستقیم، هم سرکوب را در جانی که لازم بداند بقیه در صفحه ۶

دانشگاه را می بندند، زندانها را پر می کنند، دانشجویان را می کشند

خلقهای قهرمان ایران!

بیاد می‌آورد خند زفریاد کشیدید؛ دانشگاه سکر آزادی است! این سکرراد سمنان آزادی تعطیل کرده اند. بیاد می‌آورد در زمان شاه خائن، مبارزات دانشجویان انقلابی هرگز خاموش نشد! جمهوری اسلامی می‌خواهد سعله بفرود این مبارزات را خاموش کند. بیاد می‌آورد، شاه دانشجویان را می‌گرفت، شکنجه میداد، یکسخت جمهوری اسلامی زندانها را پر از دانشجویان انقلابی کرده است و ماهی نیست که چند دانشجوی مبارز را به جرم عشق به زحمتکشان شیراز نکند.

... آری، خلق ما بیاد می‌آورد که دانشجویان انقلابی در راه آگاه کردن توده ها از جان خود نیز کد سندن و اینک رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آگاهی توده ها، دانشگاهها را بسته است. برای خفه کردن آزادی به سکر آزادی حمله کرده است. اما به همت توده ها، دانشگاه همچنان سکر آزادی خواهد بود.

تعطیل دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی توده ها است
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

ادامه اطلاعیه وحدت از شماره قبل

توضیح: همانطور که در شماره قبل بیکار نیز اشاره کردیم، ما بدلیل کمبود دادن به انعکاس وحدت سازمان با گروهها و محافل کمونیستی و برخی مشکلات دیگر، در اعلام برخی از وحدتیه‌ها مدت زیادی نيز از آن ميگذرد که کوناهي نموديم. ما ضمن استفاده از مسئله، اعلام وحدت اين گروهها را (علاوه بر نده مدتی از زمان آن ميگذرد) گامی مثبت در جهت تقویت روحیه وحدت طلبی در جنبش کمونیستی ایران دانسته و از این پس ميکوشيم اطلاعیه های وحدت را در اولین فرصت در سکا درج کنیم.



اطلاعیه وحدت با:

۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان

۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجوی"

۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست (درک)"

۴- بخشی از مبارزین طبقه کارگر (هسته مقاومت ۳)

۲- اطلاعیه وحدت بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجوی"

هموطنان مبارز! انقلاب بیون کمونیست!

هم اکنون بیش از دوسال از آغاز شکل گیری و حرکت گروه "کارگر-دهقان-دانشجو" میگذرد. گروه در اول خرداد ۵۶ فعالیت خود را با انتشار اعلامیه های تهیهی و تبلیغی علیه حکومت دستک نشاند شاه آغاز کرد. پس از قیام ۲۲م بهمن و سرنگونی سلطنت، همراه با رشد جنبش توده های در ابعاد و اشکال تازه تر... بسیاری توده های وسیع مردم و گسترش حرکات و مبارزات خود بخودی آنها در زمینه های گوناگون، وجود شرایط نیمه دموکراتیک بعد از قیام - اضمحلال دستگاه مبنی ساواک و اقبال روشنفکران - ان مبارزه با روفعاً لیت در گروه های انقلابی کمونیستی. دامنه فعالیت گروه تا حدی وسیع تر شده و قادر میگردند که در سطح منطقه (شیراز) به بخش اعلامیه، تراکت و جزوات تبلیغی و سرودی می پردازد.

از آنجا که سال ۵۸، گروه به منظور انعکاس مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان منطقه فارس دست به انتشار خبرنامه های میزند که ۹ شماره آن منتشر گردید. ما تلاش داشتیم که در شرایط عدم حضور شکل های کمونیستی در منطقه در حد توان در جهت ارتقاء آنها می شده ها، شکل و سازماندهی آنها و قرار گرفتن در متن مبارزات آنها، گامی هر چند کوچک در جهت رهائی کارگر - ان و زحمتکشان میهنمان از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری وابسته برداریم. ما سعی به بخش بسیار کوچکی از جنبش کمونیستی میهنمان برای اصل ما را به رسمیت شناختن و ایمن دانسته و داریم که امرها را می خلی از یوغ امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه داری وابسته، تنها و تنها تحت رهبری پرولتاریا و با

ایجاد دستاورد زنده و سازمان سیاسی این طبقه یعنی حزب کمونیست و حرکت مستقل این طبقه عملی خواهد شد.

از این رو در حالیکه ما بیدار بین و شکل گیری گروهها و محافل مارکسیست - لنینیستی و حرکت گروهی مستقل آنها را در سر تا سر ایران و برای یک دوره و در مسیر انقلاب دموکراتیک ایران تلقی میکنیم، اما در عین حال اعتقاد داریم که ضرورت این دوره تاریخی مدت ها است که بسط داده و جای خود را به ضرورت نویسی - تری، یعنی وحدت جنبش کمونیستی به ما با اولین سنگ بنای ایجاد حزب کمونیست داده است. زمینه عینی چنین ضرورتی را امروزه بویژه میبایست در شرایط کنونی جامعه که بسیار متحول و پیچیده است، در گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی در اشکال گوناگون، در دستاورد بحران اقتصادی و لاعلاجی آن در چهار - چوب مناسبات حاکم بر جامعه و سیاستها و ضد خلقی هات حاکمه در توانایی هات حاکمه در حل بحران اقتصادی و اجتماعی و انحصار سیاستهای سرکوب و بالنتیجه سرخوردگی توده های مردم از هات حاکمه و مطرح شدن تق بیختیا در ذهن آنها تا کمونیستها و نیروهای مترقی دیگر، بود عدم گفتگویی جنبش کمونیستی در پاسخگویی به انبوه مسائل

انقلاب کمونیستی جستجو کرد. انعکاس این ضرورت در سیاست و شکل کار گروهها و سازمانهای درون جنبش کمونیستی در شکل خرد کار رهیابا، نایگیری، اگونومیس و لبرالیسم و فقدان یک برنامه و سیاست (حتی کوتاه مدت) بروز کرده است. در حالیکه وضعیت جامعه در روند تحولی خود روز بروز پیچیده تر میگردد، در حالیکه مواج مبارزات خود بخودی توده های مردم هر روز از گرانهای سر میگذرد. در حالیکه مبارزه طبقاتی اشکال تازه تر و نویسی - تری بخود گرفته است و در زمانیکه توده ها روز بروز به هات حاکمه ای اعتقاد در میشوند، جنبش کمونیستی در همان شکل پراکنده و مشتت خود و در همان اشکال سازمانی ابتدائی محلی و منطقه ای و محلی خود و محصور در قلعه های مناقع

۳- اطلاعیه وحدت "گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" (درک)

"گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" بدنبال اشکالی در "گروه اتحاد مبارزان" ایجاد حزب طبقه کارگر، (م) بر پایه نقد و رد پورتونیسم رایست حاکم در "گروه اتحاد..." و جنبش سیاسی خارج از کشور و حاکمیت از بخش ما را کمونیستی - لنینیستی سازمان میدهد خلق در دیماه ۱۳۵۵ بوجود آمد. این گروه بر اساس اصول مشی غیر پرولتاری جریکی حاکم بر بخش منضمب و "نزیشت جبهه" به مدت دوسال در موضع پشت جبهه این سازمان قرار گرفت. اگر چه بدستی گروه به مرز بندی با پورتونیسم را است برداخت، اگر چه ستگیری رفقای ما به سمت بخش منضمب از مضمونی انقلابی برخورد را رسد، لیکن با یاد دادن دانست که گروه خود به انحراف پورتونیسم چپ در غلشتید. ما به دفاع از منی مبارزه مسلحانه جدا از توده برداخته و در مناسبات پشت جبهه ای در رابطه با اساسی ترین وظیفه کمونیستها در قبال طبقه کارگر به انفعال دچار گشتیم. البته ما گفته ایم که در این دوران ما در رای دستاورد هائی نیز بودیم که از آن جمله با بد از مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک علیه دیدگاه های راست و ارتقاء سطح جنبش دانشجویی. سازماندهی مبارزات دانشجویی علیه ارتقاء و امپریالیسم، ارتقاء مکرانیم و افشای بورژوازی لیبرال و لیبرالیسم مبارزه علیه رولزیونیسم، نزارتعا عی "سه جهان" و سوسال امپریالیسم شوروی، مبارزه

(*) - بعد از اشکال گروه ما، بخش با می - ما نده "گروه اتحاد..." بر پایه مشی پورتونیستی خود به مراد متعفن رولزیونیسم به جانی در غلشتید. این بخش با خیانت کامل خود به نیروی خد انقلابی و به توکر بیعت و پورتوازی تبدیل گردید

گروه کار با نه اس نمیوانست و نمیتواند همراه همگام ما این تحولات حرکت کند. گروه ما نیز سنا به جز کوچکی از این جنبش نمیتوانسته است از برضه های و انعتب تلخ و افشا ک این سرا کندی در روروشی با انبوه مسائل و مشکلاتی که از روشی یک برنامه و سیاست انقلابی مینسی بر سخلیل منضمب از شرایط متکامل - ترجا معرا میطلبد و از سوی دیگر بهر باطل بر روابط محلی اجتناب نپذیرد و شکل کار محلی و منطقه ای میزده است، بدوریا نند.

بحدت وحدت در گروه ما تحت فشار این واقعیات و این ضرورت نویسی، از مدتها پیش جریان یافت. از همان ابتدا دو خط فکری در این رابطه مشخص گشت. هر چند که گروه با امکانات و توانائی هسای محدود و روابط محلی حاکم بر آن قادر به سازماندهی یک مبارزه ایدئولوژیک و اصولی و سیکرانه به منظور دست باپی به صحیح ترین راه حل، با اتحاد منضمب آگاهانه و امولی همعا و برای تعمیق شناخت آنها از مسائل جنبش کمونیستی نبود، اما در همان چهار چوب روابط و در حیطه توان شوریک و درک معرفتی مجموعا عضا، مبارزه ایدئولوژیک بر سر این دو خط وحدت با "سازمان بکار در راه آزادی طبقه کارگر" و با پذیرفتن این طرح "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" ادامه یافت و سرانجام بخشی از رفا و وحدت با "سازمان بکار ر" را به لحاظ همگونی ایدئولوژیک - سیاسی و سوابق مبارزاتی آن سازمان پذیرفته و بخشی دیگر از رفا طرح "وحدت انقلابی" را بدلیل محوری دانستن امر وحدت جنبش کمونیستی پذیرفتند.

از این رو ما با این کار گروه "کارگر - دهقان - دانشجو" را اعلام میکنیم، با این امید که هر یک از این پس را در خ انقلاب خواهد داد. به امید پیروزی! فترده تر با همفکری جنبش کمونیستی! پیش سوی وحدت جنبش کمونیستی! پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر سراسری! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

۵۹/۲/۲۶

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

علیه ایدئولوژی بورژوازیست در خارج از کشور فعالیت انتقالاتی و ترجمه‌ای و... نام بود.

پس از یک سال و نیم از زندگی سیاسی گروه، در زمانیکه جنبش سیاسی توده‌ای در سطح جامعه بعد از ایدئولوژی بافته و شکست می‌جریک در عرصه تئوریک و پراتیک وضوح پیدا کرده بود، در زمانیکه بخش مارکسیستی لنینیستی سازمان مجاهدین خلق دچار تغییر و تحولات نویسی شده و مبنای انحرافی جریک حاکم بر آن نفی گردیده، عمق انحرافات سیاسی گذشته این سازمان بر ملا کشته و رهبری سابق طرده شده بود و نیز در زمانیکه در اعتقاد نسبت به "پشت جبهه" که به معنای نقطه اتکاء گروه بود شکاف افتاده بود، بیرون مکی گروه دامنه یافته و دورنمای روشنی وجود داشت، بحران عمومی گروه گسترش یافته و مبارزه طبقاتی در جامعه پیش از هر زمان دیگری مطلقیت یافته بود، بر اساس انتقاد گذشته خود، مشخص کردن شی نوین و برینا مه مبارزاتی خود، بطور فعال در آن شرکت جوید، لیکن رهبری گروه‌ها توان از این سطح گویی به این امر بود، روشن است که چنین شرایطی نمی‌توانست به اعترافات و تناقضات پیچیده - ندررونی نیانجامد، در این هنگام شگافهای انتساب در گروه پیدا رگست، "نست" آذرماه ۱۳۵۷ گروه به منظور بررسی اوضاع درونی گروه و چاره‌جویی برای خروج از بحران با شرکت نمایندگان گروه فراخوانده شدند و در همین هنگام منظر مسلط رهبری از موضع استیلاسی و اپورتونیستی تشکیلات را رها نمود و قرار کرد، در این نشست یک گرایش انحرالی طلبانه و پوپالیستی بروز نمود، گرایشی که بدینال نف غیردیالکتیک می‌جریک و تربیت جبهه و نیز خسته شدن رمانتیک گذشته‌اش، انحلال گروه را مطرح میساخت بر اساس این نگرش را ستروانسه و اپورتونیستی نمایندگان و حامین این گرایش سیاسی - ایدئولوژیک انتساب نمود، و گروه را ترک گفتند.

در برابر این پاسخ انحلال طلبانه، بخش اکثریت رفقای گروه بر حفظ تشکیلات، ضرورت انتقال گروه به ایران و شرکت متشکل و فعال در مبارزه طبقاتی تا کید دانند، این دیدگاه مطرح می‌ساخت برای استقرار گروه در مواضع جدیدی با بست می جریک و تربیت جبهه و انحرافات ایدئولوژیک گروه به نفع کمونیستی کشیده شود و بر اساس آن مواضع و خط می‌واجیکه آینده گروه در دنیا روشن کرد. در ایران در شرایطی که رفقای گروه

با تحولات نویسی مواجه گشته بودند و فاقد شناخت لازم از مجموعه شکلات جنبش کمونیستی بودند و نیز در جنبش منسحب انتساباتی به وقوع پیوسته بود، مستگیری و احکام و نسبت به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پرسش و رفت و در همین شرایط که در گروه مبارزه ایدئولوژیک گسترده‌ای علیه مبنی گذشته و انحلال طلبی صورت نگرفته بود و جمع بندی واحدی ارائه نگشته بود و در گرایش انحرافی یک گرایش ادغام‌گرا "در سازمان پیکار دیگری گرایش ایدئولوژیستی استقلال - طلبی" بوجود آمد، وجه اشتراک این دو گرایش نفی دوران انتقالی بود، دورانی که در طی آن گروه بتواند با اتکاء به مبارزه ایدئولوژیک مبنی و دورنمای جدید خود را مشخص سازد، این دو گرایش طی مبارزه درونی تصحیح گردید.

نشست دوم گروه در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ طرح "دوران انتقالی" را تصویب کرد، این نشست در عین تاکید بر ترکیب فعال در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه مضمون این دوران گذار را مبارزه ایدئولوژیک علیه ریشه‌های انحرافات موجود، بر رسی وضعیت جنبش کمونیستی و نیروهای آن و در نهایت تعیین مبنی و مواضع و جایگاه گروه در جنبش منسحب نمود، گروه در مسیر این حرکت قرار گرفت در طی این دوران انحرافات مختلف از جمله گرایش "جبهه و نفع‌گرا" اپورتونیستی ظهور یافت این گرایش بانگرتی روشنفکرانه به نفی مرزبندی‌های اولیه در جنبش کمونیستی پرداخته، به مطلق کردن ضعف‌های جنبش دست زده و حرکت وحدت طلبانه رانسی می نمود، این گرایش که در آنحصر اف اپورتونیستی خود انحصار یافته بود، در چهارمین نشست گروه در آبان ۵۸، مورد تجزیه قرار گرفت.

در طول این دوران گروه با توجه به توان محدود خود به دستاوردهای مهمی رسید، فعالیت در میان کارگران، پیکاران رتبا زحمتکش و دانشجویان، بیستسرد مبارزه ایدئولوژیک و شناخت از جنبش کمونیستی و نیروهای آن، شرکت در حمل معطلات جنبش، تدوین و ارائه جمع بندی از گذشته گروه، فعالیت ترجمه‌ای و همکاری نزدیک با سازمان پیکار... از جمله دستاوردهای گروه بود. بر اساس این دستاوردها و مبنی و موازین نوین گروه بود که در نشست تعیین تکلیف گروه، مستگیری سیاسی ایدئولوژیک به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بر مبنای سازمانی که گرایش پرتولتری بر آن غالب است مورد تاکید قرار گرفت و ضرورت ادغام با این سازمان به تصویب

رسید. وحدت سیاسی ایدئولوژیک ما بر سر این مبنای استوار بود: جا کمیت سرمایه - داری وابسته، مرحله انقلاب، ماهیت قدرت سیاسی حاکم و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر، دیدگاه متریک در مورد وحدت جنبش کمونیستی، مرزبندی با ریزبوسیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و حزب توده سمنا به کارگزار شوروی مرزبندی با ریزبوسیسم چینی و ششز ارتجاعی "سه چیان"، مرزبندی با مبنی غیر پرولتری جریک، مرزبندی با تروتسکیسم، رده‌ها و انقلابی و انحلال طلبانه شکل دانشجویان مبارز و توافقی بر سر نما و کمیتی شکل دانشجویان ما و کمیت لنینیست، بر اساس این وحدت سیاسی ایدئولوژیک و وحدت تشکیلاتی ادغام تشکیلاتی در دستور قرار گرفت و رفقای گروه در ارتباط با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرار گرفت و با زمان ندهی مناسب انجا پذیرفت حرکت مبارزه‌جویانه در راه این وحدت و تحقق آن به اجازت دادنا توان محدود خود را در چرخه‌ای از مبارزه کمونیستی فعال شرکت داده و بدین ترتیب کامرچند و ایجا در حزب طبقه کارگر ایران برادریم.

اطلاعیه وحدت بخشی از مبارزین طبقه کارگر (هسته مقاومت ۳)

پس از ۱۳۵۸ به مدت ۳ ماه از تشکیل گروه "مبارزین طبقه کارگر" از این گروه و رهبری آن انتساب کردیم. بعد از انتخابات بین رفقای ما در برورد و تهران کمیته‌ها هنگی بوجود آمد. این کمیته‌ها جمع بندی از تجارب گذشته و با تحلیل مشخص از اوضاع جنبش کمونیستی اعلام موجودیت را نفی کرده و تشکیل گروه جدید را درست ارزیابی نمود. زیرا در شرایطی که اختلافات قابل توجهی با برخی از جریانه‌های جنبش کمونیستی وجود ندارد، تشکیل گروه جدید گامی در جهت منافع جنبش کمونیستی نبوده و نتیجه آن جدا شدن به ششست و پراکنده‌گی چیز دیگری نیست. با توجه به این تحلیل، رفقای ما ضمن شرکت در مبارزات جاری و پیشبرد وظایف خویش کمیته‌ها هنگی، هم خود را مصروف امر وحدت نمود. در طی یک روند، پس از بررسی مواضع نیروهای جنبش کمونیستی، سازمان پیکار را نزدیکترین نیرو نسبت به خود تشخیص داد و بعد از دو ماه مبارزه ایدئولوژیک و توافقی، در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ادغام گشتیم. پس سوی وحدت جنبش کمونیستی

مقاومت در واقع یک طرح انتقالاتی بود که به اقتضای وحدت ایدئولوژیک، وحدت تشکیلاتی را با توجه ضرورت مخفی کاری ضرورت یافته، مرقا به ایجا در ابتدا از طریق رهبری بسته می نمود، بر اساس طرح تشکیلاتی موجود، هسته‌های مقاومت ۱ و ۲ و ۳ بر مبنای وحدت ایدئولوژیک-سیاسی خود از گانال رهبری با یکدیگر ارتباط پیدا می کردند.

در تابستان سال ۵۸ در انتقاد به اوضاع تشکیلاتی انتقادات درون گروهی شروع گردید، در این موقع رفقای پایه از مرکزیت میخواستند تا "هسته مقاومت ۳" در برابر مسائل حاد سیاسی - ایدئولوژیک جنبش موضع گیری نموده و موضع خود را در برابر هر هسته مقاومت ۱ و ۲ روشن سازد. در چنین شرایطی که مبارزه ایدئولوژیک گسترش یافته و معضلات درون گروهی حل نشده بود، رهبری، وحدت با دو محفل دیگر را در دستور قرار داد و گروه جدیدی به اسم "مبارزین طبقه کارگر" بوجود آمد، اما از آنجا که اختلافات با (هسته مقاومت ۳) با مرکزیت حل نگشته بود و از آنجا که وحدت با دو محفل دیگر بدون اطلاع اعضای هسته صورت گرفته و مبارزه ایدئولوژیک انجام نگرفته بود، ما این حرکت رهبری را نادرست و اپورتونیستی تلقی نمودیم، بر پایه این انتقادات ما (هسته مقاومت ۳) پس از ۳ ماه از تشکیل گروه "مبارزین طبقه کارگر" از این گروه و رهبری آن انتساب کردیم.

بعد از انتخابات بین رفقای ما در برورد و تهران کمیته‌ها هنگی بوجود آمد. این کمیته‌ها جمع بندی از تجارب گذشته و با تحلیل مشخص از اوضاع جنبش کمونیستی اعلام موجودیت را نفی کرده و تشکیل گروه جدید را درست ارزیابی نمود. زیرا در شرایطی که اختلافات قابل توجهی با برخی از جریانه‌های جنبش کمونیستی وجود ندارد، تشکیل گروه جدید گامی در جهت منافع جنبش کمونیستی نبوده و نتیجه آن جدا شدن به ششست و پراکنده‌گی چیز دیگری نیست. با توجه به این تحلیل، رفقای ما ضمن شرکت در مبارزات جاری و پیشبرد وظایف خویش کمیته‌ها هنگی، هم خود را مصروف امر وحدت نمود. در طی یک روند، پس از بررسی مواضع نیروهای جنبش کمونیستی، سازمان پیکار را نزدیکترین نیرو نسبت به خود تشخیص داد و بعد از دو ماه مبارزه ایدئولوژیک و توافقی، در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ادغام گشتیم. پس سوی وحدت جنبش کمونیستی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آمریکا به خلقهای منطقه جنگ و دندان نشان میدهد، اما...

در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس امپریالیسم آمریکا به فعالیت شدید دست زده است. علت این شدید فعالیت از دو جهت قابل توضیح است:

۱- رند جنبش های انقلابی، منزلزل بودن رژیم های ارتجاعی و به خطر افتادن منافع غارتگرانه آمریکا، این کشور را بر آن میدارند تا پیش از هر زمان دیگر برای مقابله و سرکوب انقلاب به تدارک همه جانبه دست بزنند.

۲- سوسیال امپریالیسم شوروی میگوید تا در راه تامین منافع امپریالیستی خود به نفوذ گسترده تری دست بزنند، این امر امپریالیسم آمریکا را وامیدارد تا به رقابت بیشتری با شوروی بپردازد.

برای توضیح بیشتر این مسائل به توضیح مختصر سیر حرکت امپریالیسم های نوکی در این منطقه از جهات در دوره اخیر می پردازیم:

در واقع خارج شدن نیروهای نظامی امپریالیسم انگلیس از عدن در سال ۱۹۶۷، سقوط امپراتوری استوپی در سال ۱۹۷۴، سرنگونی رژیم سرسپرده شاه در فوریه ۱۹۷۹، اشغال افغانستان توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و در یک برآیند عمومی برآدم جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شایسته در ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند. علیها امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هر بیختن نظام ما هنوزها که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنشیند موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا ر میانی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش ر نقشی را بازی نمیکند. بعلاوه رشد و تدارک جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

در مورد اقدامات امپریالیسم آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد: با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت پایگاه نظامی - استراتژیک دیگوگارسیا (در اقیانوس هند) پرداخت و حضور نیروهای تجاوزی دریا ئی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس فعال تر نمود. در حال حاضر ۳۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می باشند. بعلاوه آمریکا یک سلسله مرا ردا های نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبقه قرار دادی با قایوس سلطان عمان، آمریکا امکان

توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و در یک برآیند عمومی برآدم جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شایسته در ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند. علیها امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هر بیختن نظام ما هنوزها که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنشیند موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا ر میانی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش ر نقشی را بازی نمیکند. بعلاوه رشد و تدارک جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

در مورد اقدامات امپریالیسم آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد: با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت پایگاه نظامی - استراتژیک دیگوگارسیا (در اقیانوس هند) پرداخت و حضور نیروهای تجاوزی دریا ئی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس فعال تر نمود. در حال حاضر ۳۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می باشند. بعلاوه آمریکا یک سلسله مرا ردا های نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبقه قرار دادی با قایوس سلطان عمان، آمریکا امکان

توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

بافت تا جزیره "مسیره" و بسا در مسقط یعنی "مسره" و "سبب" و "سبب" را زیر کنترل خود در بریا و در و فرودگاه های خود قرار دهد. بدینال این اقدام آمریکا پایگاه های خود را گسترش داد. خط پایگاه های از "مسره" (در عمان) به مومبای (کنیا) و سپس به بریره (سومالی) رسید و بدینال آن به مرکز شده میشود.

در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زبان باره" رئیس جمهوری سومالی "قرار داد دولتی با شوروی که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد و بدینال آن شش هزار کارشناس نظامی و غیر نظامی دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بریره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد.

در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زبان باره" رئیس جمهور سومالی "قرار داد دولتی با شوروی که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد و بدینال آن شش هزار کارشناس نظامی و غیر نظامی دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بریره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد.

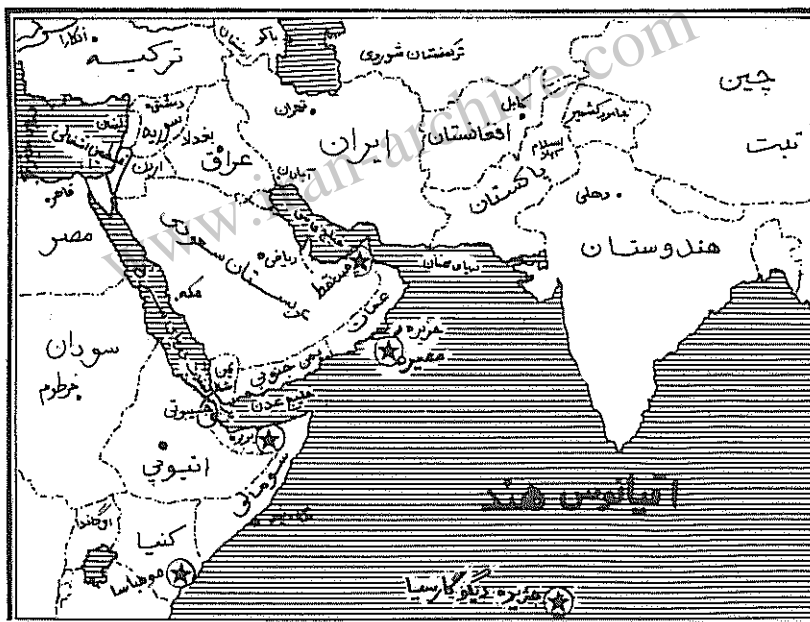
۱- پایگاه های در حومه فا هر که در حال حاضر ۱۲ تکراری بمب افکن اف ۴ آمریکا شای در آنجا مستقر شده اند. ۲- پایگاه نظامی "منا" در کنار رود نیل (دره ۴۵ کیلومتری فا هر) این پایگاه محل استقرار هواپیما های مجهز به رادار "واکس" می باشد.

۳- پایگاه نظامی "راس بنان" که در کنار دریای سرخ می باشد، آمریکا در پی آن است تا این پایگاه را به محل فرود بمب افکنهای استراتژیکی "ب ۵۲" و هواپیما های آذوقه رسان غول بیکر (ک ۱۳۵) تبدیل نماید.

در کنار این اقدامات استراتژیک اگر به تقویت روز افزون رژیمهای مزدور پاکستان و اسرائیل و نیروهای ارتجاعی لبنان توسط امپریالیسم آمریکا از یک سو و به تاور نیروهای بییمان تجاوزکارانه تا تودرم دیترا نهر دریای سیاه، انجام کودتای اخیر در ترکیه و تقویت نیروهای مزدور مانند تاد ویسی و یا لیبیان و بانه بختیا ر در ایران از سوی دیگر توجه کنیم بسا حرکت امپریالیسم آمریکا مشخص تر میگردد، امپریالیسم آمریکا از اواج گیری انقلاب در ایران به شدت هراسان است. می کوشد تا قدرت و موقعیت فائقه مستحکم خود را در ایران دوباره بسازد و برای این منظور اقدامات سرکوب گرانه های تارکمه ایران علیه خلقها و حکومتشان این کشور را به اقدامات مستقیم با تدهای سرسپرده بسوزد میزند، آمریکا در عین حال میگوید مناسبات خود را با ایران با همت رژیم جمهوری اسلامی "بهبود" بخشد، از طریق باند های اویسی و بختیا روا ارتش تا هنوزها که کاملاً آورده نیز عمل میکند. کودتای نکست خورده اخیر آمریکا در ایران بیان مشخص جنبش سیاسی میباید امپریالیسم آمریکا منگه شد تا

شیکه تجاوزی خود را در منحصرد ربرابر انقلاب خلق و در مقابل با امپریالیسم شوروی مستحکم؟ تاد در پی آنست تا ایران را به یک سکوی بر قدرت تجاوزی تبدیل نماید. و در این راه با تمام قدرت تلاش میکند و خلاف شعله های شوم ریزیونیستیهای سدجانی که در پی بخوا بگردن توده ها میباید شنید امپریالیسم تجاوزی آمریکا کماکان هار و درنده و متجاوزی ما ندانسته است و تا زمانی که حتی یک دندان برایش باقی مانده به تجاوزی علیه خلقها بقیه در صفحه ۶

این کشور بیرون رفته و شوروی تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بریره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد. در حال حاضر آمریکا میگوید تا تودرم دیترا نهر دریای سیاه، انجام کودتای اخیر در ترکیه و تقویت نیروهای مزدور مانند تاد ویسی و یا لیبیان و بانه بختیا ر در ایران از سوی دیگر توجه کنیم بسا حرکت امپریالیسم آمریکا مشخص تر میگردد، امپریالیسم آمریکا از اواج گیری انقلاب در ایران به شدت هراسان است. می کوشد تا قدرت و موقعیت فائقه مستحکم خود را در ایران دوباره بسازد و برای این منظور اقدامات سرکوب گرانه های تارکمه ایران علیه خلقها و حکومتشان این کشور را به اقدامات مستقیم با تدهای سرسپرده بسوزد میزند، آمریکا در عین حال میگوید مناسبات خود را با ایران با همت رژیم جمهوری اسلامی "بهبود" بخشد، از طریق باند های اویسی و بختیا روا ارتش تا هنوزها که کاملاً آورده نیز عمل میکند. کودتای نکست خورده اخیر آمریکا در ایران بیان مشخص جنبش سیاسی میباید امپریالیسم آمریکا منگه شد تا



این کشور بیرون رفته و شوروی تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بریره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد. در حال حاضر آمریکا میگوید تا تودرم دیترا نهر دریای سیاه، انجام کودتای اخیر در ترکیه و تقویت نیروهای مزدور مانند تاد ویسی و یا لیبیان و بانه بختیا ر در ایران از سوی دیگر توجه کنیم بسا حرکت امپریالیسم آمریکا مشخص تر میگردد، امپریالیسم آمریکا از اواج گیری انقلاب در ایران به شدت هراسان است. می کوشد تا قدرت و موقعیت فائقه مستحکم خود را در ایران دوباره بسازد و برای این منظور اقدامات سرکوب گرانه های تارکمه ایران علیه خلقها و حکومتشان این کشور را به اقدامات مستقیم با تدهای سرسپرده بسوزد میزند، آمریکا در عین حال میگوید مناسبات خود را با ایران با همت رژیم جمهوری اسلامی "بهبود" بخشد، از طریق باند های اویسی و بختیا روا ارتش تا هنوزها که کاملاً آورده نیز عمل میکند. کودتای نکست خورده اخیر آمریکا در ایران بیان مشخص جنبش سیاسی میباید امپریالیسم آمریکا منگه شد تا

خطاب به کلیه رفقاً، اعضا و هواداران سازمان! «در رابطه با جنگ ایران و عراق»

رفقا! جنگ پس رژیم فاشیستی عراق و رژیم جمهوری اسلامی ایران بالا گرفته است. وظیفه کمونیست‌ها در این جنگ عبارت است از:

- ۱- اعضای ماهیت بخاورگاران، ارتجاعی و غیرعادلانه بودن جنگ و توضیح اینکه این جنگ و ادامه آن از طرف رژیم‌های ایران و عراق، حکمی است علیه حلقه‌های هر دو کشور.
- ۲- ضرورت رفقا! در اف‌ارتجاعی رژیم‌های عراق و ایران را از این جنگ کدر «بیانه توضیحی سازمان» و «سرد» آن آید. توضیح دهید و ضرورت عدم سرک‌نودها در این جنگ و قطع جنگ را تبلیغ نمایند.
- ۳- رفقا! باید و بهترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ادامه جنگ ارتجاعی هر دو رژیم و عوام‌فریبی‌ها و پوپولیسم‌هایشان که رژیم جمهوری اسلامی ایران جنگ میسازد، براه اندازند.
- ۴- رفقا! باید در زمینه اخبار و گزارشات مربوط به وضعیت، نتایج و عوارض جنگ ارتجاعی موجود و عکس‌العملی آن‌ها، پیوسته در مناطق حکمی بلحاظ انعکاس اخبار دست‌برای‌توده‌ها تلاش نمایند.
- ۵- رفقا! برای آمادگی در مقابل وضعیتی که پیش‌ترتیب، ما را در مقابل یک جنگ داخلی قرار دهد، میبایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی و سازماندهی صف مستقل انقلابی و گسترش جنبش انقلابی توده‌ها تلاش نمایند.
- ۶- منتظرکنک به توده‌های حلقه که در ارتجاعی کمونیستی دچار مصائب شدید شده‌اند، ضروری است، فعالیت‌ها را به تعامی امکانات نسبی، داروئی، حفاظتی و کلیه اقدامات آمادگی را بسنج و در خدمت توده‌های زجرکشیده بکارگیرید.
- ۷- بدون شک این اقدام انقلابی حمایت و اعتماد، در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبنی بر اساسی اهداف ارتجاعی جنگ کمونیستی چه از طرف دولت حاکم ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود.
- ۸- تردیدی نیست که در شرایطی که توده‌ها وسیع‌تر تروهم سرزمین‌ها برند و تحت تبلیغات بیخ‌شوییستی شوررواری حاکم و روریونیست‌های حاد م‌آنها، برای تبدیل شدن به سنگ‌آسب این جنگ غیرعادلانه شدید او در سطح گسترده‌ای ترویج شده‌اند، انجام وظایف فوق‌ظهور تاکنکی دستار است و در ابتدا حکم سنار کردن خلاف جهت آب را دارد. اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع تاریخی و وطنفانی توده‌ها کارگرفته‌اند، ما حرکت نفاشیم (ونه از موضع وضع فعلی آگاهی و تروهم آنها) آنگاه در خواهم یافت که گاه باید ببول رفیق استالین، از یک «گامیسی ناکندگی» در جهت بند است آوردن یک «گامیسی استراتژیکی» جسم‌سوسی نمود و این بحاطر است که این «گامیسی استراتژیکی» «مدفون» نگردد!

وظیفه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کمونیستی را محکوم کنیم!
جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۲

اعلام شماره ۹۷

بینه از صفحه ۲ جنگ غیر عادلانه ...

اراییکه مبارزات این سوده‌ها علیه رژیم‌های ارتجاعی خودشان منت‌گیری کند، جلوگیری نماید. واضح است که چنین سیاسی نمی‌سواند در تکامل خود درگیری - های مسلحانه و جنگ استکرایت‌ناخدا، رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق از طریق این جنگ بسازد می‌کوند مضافاً ارتجاعی خود را در منطقه ما بسازد بلکه علاوه بر این و پیوسته آن می‌کوند تا سولسد ایجاد این جنگ حد انقلابی، با مبارزات انقلابی در هر دو کشور به‌مقاصد هرچند، واضح است که در این سیاست ارتجاعی رژیم‌های دو کشور، امپریالیسم محلی و پیوسته امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم روس می‌کوند تا از آب گل‌آلود ما هر کس و علاوه بر سرکوب انقلاب در این دو کشور در تمام منطقه (بسطر کودمائی آمریکا) در سرکوب و اسفاله‌ها سانس‌نویس روسته و ... به‌رفا با امپریالیسمی پس خود برداشته و پیوسته در ایران دگر و سر علیه حلقه‌ها در منطقه سوسه‌محمد.

کمونیست‌ها باید با فاطمیت تمام این جنگ ارتجاعی را که هدف خود را مقابل با جنبش انقلابی درد و جامعه ایران و عراق و حرکت روریست‌ها قرار داده است، محکوم نموده و با جدیت تمام از حمایت انقلاب و گسترش جنبش توده‌های در این دو کشور دفاع نمایند.

بسیار واضح است که سرکوب در این جنگ بینه‌ها در دفاع از «میهن» میسواند چیزی جز خیانت‌سوسه جنس و انقلاب حلقه‌های دو کشور و خدمت به شوررواری امپریالیسم‌ها و از همس‌روموم کمونیست‌ها در مقابل چنین جنگ غیرعادلانه، نتایج و کاروانه‌های ارتجاعی‌ای، همانا محکوم نمودن آن و رژیم‌های ضد انقلابی هر دو کشور است.

در این جنگ، هرگونه مومع ساسیستی، دسر‌گیره عدم مومع‌گیری نسبت به یکی از رژیم‌های ارتجاعی به اسم «اتحادناکندگی» و از این قبیل، همانا حمایت به انقلاب و کمک به ارتجاع و شوررواری خودی در سرکوب انقلاب است.

سفاری که امروزه ما میسواند از انقلابی و در این آنها کمونیست‌ها با بدامناح است کرده و میسوان سوده‌های مردم‌پرند، ما را در هر چیزی که تحمیلی و ارتجاعی تبدیل آن بیک جنگ عادلانه علیه رژیم‌های ارتجاعی در هر دو کشور در منطقه است.

کمونیست‌ها و انقلابیون باید میسوان سوده‌ها در اهداف واقعی هر دو رژیم را که در بوسه‌فناطی جنای بر آب و رنگ و کلمات «انقلابی» سوسیستی ادا میسوان رسوا کرده و او را سوده‌ها بخواند که بجای گرفتن سلاح بر روی بکدیگر اسلح را در مقابل حکومت‌های ارتجاعی خود بگیرند.

واضح است که عملی شدن اسلح را در صورت یک صف رفیقیتی و سوسیالیستی صورت یک صف رفیقیتی، به‌منطقه جنس‌سوده‌ای در این دو کشور و وضعیت عمومی انقلاب در آنها و با بخش‌های آن مربوط است. اگر سوده‌ها در مناطق سوسیالیستی سوده‌ها به‌لر و مومع‌گیری سلاح سی برده و حاضر به این کار نباشند، واضح است که بدون

انقلابی اسلح را به‌عملی کرده، حال آنکه در مناطقی که سوده‌ها حضور دارند و مومع‌گیری نسبت به اهداف سوسیستی و فاطمی‌های «انقلابی» رژیم‌های ارتجاعی خود هستند. دست‌زدن به سلاح میسواند میسوان یک عمل فوری درد شوررواری را که در سینه‌ها بسازد و در کار سازماندهی جنس انقلابی سوده‌های در این مناطق برآید. اگر عمل مسلحانه، خارج از سطح جنس سوده‌ای و جلوسر آن صورت بگیرد، اسلح در حکم یک عمل جدا ار سوده‌ها و سحر یک جنس خواهد شد. در حالیکه برعکس، هرگونه جوساوری نسبت به رژیم جمهوری

اسلامی و حکومت «مدا امپریالیستی» یا «فلسی» برای آن فاشل شدن، بیخوردی را سروساز میسواند. روریونیستی و خدمت به ارتجاع خواهد بود. و اما جنگ ارتجاعی فعلی، قطعاً روند «جنگ داخلی» در سینه ما را سریع خواهد کرد. علم‌رعم اینکه رژیم حاکم در ایران می‌کوند تا تبلیغات وسیع و مومع‌گرسنده خود را علیه انقلابی روریست‌سوده‌ای در جامعه با سوا رسوده‌ها سراسر ما را سفاکند، بکنس بحران اقتصادی - سیاسی آگاهی روزافزون سوده‌ها، سفسر حسی

بینه از صفحه ۱۶

جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

رزمندگان و مسئله روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۶ -

ما نسبت به احراف رونیونیستی رفقای رزمندگان در قبال سوسیال امپریالیسم روس بنا گزیر به عرصه های دیگر سیاست این رفقا کشیده می شود و ما دیدیم که این احراف چگونه در تحلیل ارجا یکا هین المللی امپریالیسم شوروی و استراتژی و تاکتیک بین المللی رزمندگان منعکس میگردد. در اینجا می گوئیم تنها اسکیات دیگری از احراف رونیونیستی این رفقا را نشان دهیم.

تزیونیسم امپریالیسم یک اصل مارکسیستی است

"رزمندگان" می نویسند: "ما اعتقاد به سوسیال امپریالیسم را مرز و ناهای جنبش کمونیستی میدانیم یعنی معتقد نیستیم که کلیه نیروهای که در معشوروی سوسیال امپریالیستی از سیاسی نمیکنند صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی قرار دارند و در نتیجه جریانی رونیونیستی محسوب نمیگردند." (شماره ۷) و در جای دیگری گوید: "چگونه می توان جریانی را که تزیونیسم امپریالیسم را زمره اصول جنبش کمونیستی می شمارد، با جریانی - ما شنیدیم - که تزیونیسم امپریالیسم را - حتی با وجود پذیرش نسبی - نه از اصول جنبش کمونیستی و نه مرز و ناهای آن میدانند، در تشکیلات واحدی در کنار هم قرار داد؟" (شماره ۵)

اولین مسئله ای که با بسردن ساخت اینست که آیا تزیونیسم امپریالیسم شوروی یکی از معیارها و اصول جنبش کمونیستی بشمار می آید یا نه؟ بنظر ما مرز بندی با رونیونیسم (در همه اشکال آن) همواره اساسی و مهمی است که ما رکیسم لنینیسم را از بدشورولونیسمی بورژوازی جدا می کند، تنها خط کشی روشن - بشماره رونیونیسم است که نشان میدهد شیروئی در صفوف جنبش کمونیستی جای دارد یا ندارد. بقول لنین: "نشان کمونیسم و استین قطع رابطه با اپورتونیسم است" (سخنرانی در باره مساله ایپتالیا) - یعنی تزیونیسم جریانی است که با رونیونیسم و اپورتونیسم قطع رابطه نکرده و دارای مرز بندی مشخصی با آن نیستند خود در گرداگرد رونیونیسم می باشند زیرا استواری سوسیالیسم مارکسیسم لنینیسم را استین جدا از مبارزه کمونیستی علیه رونیونیسم نمی باشد.

ولی مسئله به این جا تمام نمی شود، امروز یکی از اشکال برجسته رونیونیسم همان سوسیال امپریالیسم است. مرز بندی دقیق با سوسیال امپریالیسم بسیار نامطلوب در مرز بندی و مبارزه علیه رونیونیسم می باشد. جریانی است که با سوسیال امپریالیسم شوروی - یعنی به یک قدرتی امپریالیستی مرز بندی نداشته باشد، در حقیقت امر دچار احراف رونیونیستی بوده و در برابر یگانگه اصلی رونیونیسم جهانی یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی دارای تزلزلات بورژوازی - رونیونیستی می باشد. البته روشن است که هر مرز بندی با سوسیال امپریالیسم قابل تأکید است. می باشد، امروز رزمندگان بورژوازی حاکم صحبت از "سوسیال امپریالیسم امپریالیسم شرق" می کنند، امروز رونیونیستهای فدا نقلی جنبی و سه جانی های سوکرمش وطنی صحبت از "سوسیال امپریالیسم" میکنند ولی پرواضح است که این نیروهای فدا نقلی - سوسیالیست از موضع بورژوازی علیه شوروی موضع گرفته و این موضع بیان رقابتی بین نیروهای بورژوازی و سرمایه -

متمایل کرده و طی یک روند از رشد فساد ایدئولوژیک آن جریان را به گرداگرد رونیونیسم می کشاند. حال ببینیم رفقای رزمندگان چه میگویند. این رفقا بر اساس همان تزلزلات رونیونیستی خویش مطرح می - سازند که تزیونیسم امپریالیسم، "زمره اصول جنبش کمونیستی" بشمار نمی آید. ما می پرسیم چه دلیل این تزیونیسمی است جز اصول جنبش کمونیستی بشمار نمی -

داری می باشد. تنها هدفی که اینان تعقیب نمی کنند همان منافع و آرمان پرولتاریاست. آری تنها مرز بندی و خط کشی ای مورد تأکید است که با هدف دفاع از آرمان و ایدئولوژی پرولتاریاست و از موضوعی کمونیستی صورت میگیرد. امروزها منظور که با رهبران گفته ایم جنبش بین المللی کمونیستی به دست آورد اساسی و تثبیت شده ای رسیده است که همان تزیونیسم

● مبارزه علیه رونیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رونیونیسم خروشجفی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بشمار میروید. اما تزلزلات رونیونیستی رفقای رزمندگان آنها را به نقطه ای کشانده است که این تزلزلی را "زمره اصول جنبش کمونیستی" ندانند.

● کسانی که مضمون سوسیال امپریالیسم را در مورد شوروی تأکید ایدئولوژیک پائین آورده و ساخت امپریالیستی آنرا به دست فراموشی می سپارند، در این تزیونیسمی دست به تحریف میزنند. امپریالیسم سوسیال امپریالیسم سیاسی در مورد شوروی جز تحریف چیز دیگری نمی تواند باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی یک مقوله سیاسی اقتصادی است و فقط پذیرش چنین استنباطی است که صحیح و قابل اتکا می باشد.

آید؟ مگر نه آنکه مبارزه بیگمرو مرز بندی قاطع لنینیستی علیه اپورتونیسم اشترنا سوسیال دوم و هرمان مرتدان به طرد این جریان رونیونیستی کشیده شد و مرز بندی با آن ملاک تشخیص بلشویکیها از اپورتونیستهای و منشویکیها گردید؟ مگر نه آنکه مبارزه کمونیستی در آن و بخصوص مبارزه حزب کارآلبانی به رهبری رفیق انور خوجه و حزب کمونیست چین به رهبری رفیق ماو علیه رونیونیسم خروشجفی به افتخار و طرد این جریان خاشانه کشیده شد و مرز بندی با آن ملاک تشخیص کمونیستها از اپورتونیستها و رونیونیستها گردید؟ مگر نه آنکه از جمله نتایج این مبارزه سترگ ضد رونیونیستی، ارائه تزیونیسمی سوسیال امپریالیسم می باشد؟

پس پرواضح است که در مبارزه علیه رونیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رونیونیسم خروشجفی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بشمار میروید. اما تزلزلات رونیونیستی رفقای رزمندگان آنها را به نقطه ای کشانده است که این تزلزلی را "زمره اصول جنبش کمونیستی" ندانند. لنین در "جسد" با بد کرد "می گفت هر کس که به مقاومت و پایداری در برابر ایدئولوژی بورژوازی که بپا دهد علاوه به تقویت نفوذ ایدئولوژی بورژوازی "در صفوف طبقه کارگر دست میزند. و امروز مگر نه اینست که رونیونیسم ایدئولوژی بورژوازی و نشان نفوذ بورژوازی می باشد و مگر نه این است که سوسیال امپریالیسم بیان حاکمیت ایدئولوژی طبقه بورژوازی امپریالیستی و اقتصاد امپریالیستی می باشد؟ پس زمانی که رفقای رزمندگان تزیونیسم امپریالیسم را به یک اصل مارکسیستی رد میکنند و

امپریالیسم است، این تزیونیسم را اهمیت سیاسی ایدئولوژیک بسیار مهم خود دیده یکی از اصول اساسی جنبش کمونیستی لنینیستی تبدیل گردیده است. بدین ترتیب جریانی که بطور کامل علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم مرز بندی دارند، جز وظیفه پیشرو و پیگیری جنبش کمونیستی می باشند (۱) و جریانی که فاقد مرز بندی علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشند، جز وظیفه اپورتونیست ها و رونیونیستهای می باشند. ولی گذشته از دو حالت فوق تیزروهای وجود دارند که در برخورد با رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و احراف رونیونیستی می باشند، چنین نیروهایی که هنوز به ارتداد رونیونیستی کشیده نشده اند، جز جنبش کمونیستی محسوب میشوند، لیکن نه در طیف پیشروان، بلکه در طیف ناپیگیری آن قرار دارند، ناپیگیری این نیروها از آنجا ناشی میشود که دچار احرافات بورژوازی - سوده و نتیجتاً دارای مرز بندی پرولتری قاطعی علیه رونیونیسم نیستند و به همین لحاظ فاقد موضع روشن و قاطع علیه سوسیال امپریالیسم می باشند. ما چنین نیروهای را از آن جهت ناپیگیری میدانیم که یا درک و استنباط پرولتری از برخی موازین اساسی ایدئولوژی پرولتاریا ندارند و یا به سبب احراف ایدئولوژیک خود یکی از مواضع اصلی جنبش کمونیستی - یعنی المللی یعنی تزیونیسم امپریالیسم را قبول ندارند روشن است که تعمیق این احراف رونیونیستی یک جریان را هر چه بیشتر باعث اردوگاه رونیونیسم (۱) - روشن است که معیارهای طیف پیشرو و پیگیری جنبش مارکسیستی فقط موضع قاطع علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشد.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

علا جنین کمونیستی را در برابر تهاجم سوسیال امپریالیستی خوری بی حفاظ می نماید، آیا به "تفویض نفوذ ایدئولوژی بورژوازی" در صفوف جنین ما مسدود نمی رساند؟

دومن مسئله ای که باید درون ساخت اینجا است که رفقای رزمندگان می گویند نیروهای که خارج از سوسیال امپریالیستی هستند صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی هستند. در اینجا این رفقا برها را مخدوس نموده و طیف سگس و طیف ناپسند جنین کمونیستی را در یک صف قرار داده اند. حال آنکه باید دقیق برخورد کرد، خط فاصل ها را روشن کرد و سبب به هیچ انحرافی سیاست سازیکارانه اتخاذ نشود. اگر امروز برخی از نیروهای مارکسیستی ایران در برخورد به سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و انحراف می باشند این درست است که خارج از جنبش کمونیستی قرار ندارند، لیکن جزو طیف بشرو و بیگس

آن نیز بشمار نمی آیند. رفقای رزمندگان این مسئله را مسکوت میگذارند ولی ما از این رفقا می خواهیم تا به صراحت، بنظر خود را در این زمینه روشن سازند. و بالاخره مومین مسئله ای که باید روشن ساخت این است که رفقای رزمندگان صحبت از "پذیرش نسبی" سوسیال امپریالیسم می کنند، رفقا، برای مارو شن کنید که "پذیرش نسبی" به چه معنی است؟ مگر یک نیروی کمونیست اصول مارکسیسم لنینیسم را می تواند بشکند "نسبی" بپذیرد؟ تز سوسیال امپریالیسم بیان واقعیت ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد امپریالیستی خوری می باشد. کما یی که مضمون سوسیال امپریالیسم در مورد خوری تا حد ایدئولوژیک پایین آورده و ساخت امپریالیستی آنرا به دست فراموشی می سپارند، در این سبب مارکسیستی دست به تحریف میزنند. اطلاق سوسیال امپریالیسم سوسیالی در مورد خوری جز تحریف جبردیگری نمیتواند باشد. سوسیال امپریالیسم خوری یک مقوله

سیاسی اقتصادی است و فقط پذیرش جنین استثنای است که صیغ قابل اتکائی باشد. درست است که رفقای رزمندگان، دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم را در خوری ناپوشیده می دانند، اما در مورد اینکه چه پدیده ای جایگزین پدیده قبلی گشته، دیدگاه روشنی نداشته و دستخوش انحراف میباشند. این رفقا بدرستی جنبه منفی سوسیالیسم در خوری را می بینند اما جنبه اشبائی حاکمیت سرمایه داری در خوری را تعیین نند و همین خاطر هنوز به تز سوسیال امپریالیسم مبتنا به مقوله سیاسی - اقتصادی اعتقاد دارند و بطرح "پذیرش نسبی" این تز را جان پر رزمندگان کوشی است برای تخفیف نشان دادن انحراف رویزیونیستی شان، بعلاوه باید افزود که اگر این رفقا تز سوسیال امپریالیسم را جزو اصول جنبش کمونیستی قرار نمی دهند بی سبب نیست، زیرا در حقیقت این تز مورد قبول این رفقا نمی باشد. حال آنکه ما میدانیم کمونیستها اصول کمونیستی را قبول دارند!

تز سوسیال امپریالیسم و وحدت جنبش کمونیستی

ردا صل در عرصه سیاست نمی توان در عرصه تشکیلات انعکاس نداشتن شده و این واقعیتی است که در مورد رفقای رزمندگان نیز صدق میکند. قبل از هر چیزی

بسیستم رفقا هم میگوید: "در مورد وحدت ما تنها با جریانی میتوانیم وحدت کنیم که اکثریت را سوسیال امپریالیست حساب می آورند حداقل خوری را اکثریت را برای ما باید که در آن دیکتاتوری پرولتاریا حاکمیت نداشته و سیاست خارجی آن بریستر استرالیسم و لیبرالیزم قرار نداشته بلکه فدرالیستی و توسعه طلبانه است." (رزمندگان شماره ۷) به بیان دیگر اگر خواهیم سخن رزمندگان را روشن و خلاصه بیان کنیم چنین است: نیروهای مارکسیستی که تز سوسیال امپریالیسم را قبول دارند و یا قبول ندارند نمیتوانند با هم وحدت کنند.

ما بر خلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف رویزیونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی شناسیم آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد می کنند کوتاه آمدن در مقابل اصول می باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف رویزیونیستی می باشد، کوتاه آمدن در برابر اصول مخالف این کوتاه آمدن اپورتونیستی می باشد.

همانطور که میدانیم وحدت تشکیلاتی کمونیستها را در یک وحدت ایدئولوژیک - سیاسی آنهاست فقط یگانگی و استحکام ایدئولوژی حزبی است که حزب را در برابر دشمنان داخلی و خارجی خود و در برابر انحرافات گوناگون غیر پرولتاری با پادارنگاه میدارد. هرگونه شتت و هرج و مرج ایدئولوژیک به شتت و هرج و مرج سازمانی می انجامد و بیروا ضاح است که نفوذ تزلزلات و روحیه رویزیونیستی و اپورتونیستی در یک تشکیلات شتت و انحراف ایدئولوژیک را دامن زده و سازمان را بسوی گسختگی تشکیلاتی می کشاند. سخن جدیست اگر گفته شود که تفرقه در حزب نشا نه هرج و مرج در ایدئولوژی است. چرا لنین برای منکوب ساختن اکونومیستها و متوکیها مبارزه میکرد؟ چرا استالین برای منکوب کردن تروتسکیستها و بوخارینستها مبارزه میکرد؟ زیرا لنین و استالین در پی حزبی بولادین بودند که متکی بر ایدئولوژی واحد پرولتاریا است.

حال کمونیستها ایران در پی کدام حزب می باشند: حزبی بولادین و متکی بر خط مشی ایدئولوژی واحد پرولتاری و یا حزبی ناپایداری متکی بر اختلاف گرایات گوناگون؟ کدام یک از این دو حزب در راستای امپریالیست قرار دارد؟ لنین در پاسخ به کولونتای می نویسد: "شما تا کید میکنید که برای ما به پیش کشیدن شعاری که بتواند همه را متحد کند ضروری است" من ما دفاع نمیگویم که این با شورش من از یک چنین وحدت گراشی بدون تمیض بیش از هر چیز دیگر است چه متقدم که بر خطرترین امپریالیست پرولتاریا می باشد (نامه ۴، کولونتای - ۱۹۱۴)

و حال آنکه سیاست رزمندگان برای وحدت کمونیست - های ایران امری پر خطری برای پرولتاریا میباشند ما بشمار نمی آید؟ بنظر ما تز سوسیال امپریالیسم یکی از اصول ایدئولوژیک جنبش کمونیستی بوده و به همین لحاظ این تز یکی از اصول سازمانی و وحدت تشکیلاتی نیز بشمار می آید. ما معتقدیم تز اپورتونیستی دوگانگی در ایدئولوژی و تشکیلات پرولتاریا نیستیم، ما بر آنیم که اصول وحدت تشکیلاتی کمونیستها بر اصول ایدئولوژی پرولتاریا بی انطباق دارد و از آنجا که اعتقاد به تز سوسیال امپریالیسم یک اصل شورویک می باشد به همین جهت این تز مارکسیستی مبتنا به یکی از موازین وحدت

سازمانی بشمار می آید و بعلاوه ما بر خلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف رویزیونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی شناسیم. آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد می کنند کوتاه آمدن در مقابل اصول می باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف رویزیونیستی می باشد، کوتاه آمدن در برابر اصول مخالف این کوتاه آمدن اپورتونیستی می باشد. ما معتقدیم که تز سوسیال امپریالیسم یک اصل تشکیلاتی یک سازمان بشمار می آید. جز این هر چه باشد یک انحراف رویزیونیستی است.

حزب درازای منافع لحظه ای زودگذر و ناشی - باشد.

حال آنکه سیاست ما دفاع از یکا کبزی مارکسیسم لنینیسم است، دفاع از خط مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف غیر پرولتاری است، دفاع از وحدت مستحکم و بدون خدشه سیاسی - ایدئولوژیک است. ما معتقدیم تشکیلات اختلافی نیستیم، زیرا این تشکیلات نه تنها شکننده است، بلکه جزئی هژمونی پرولتاری حاصل دیگری ندارد. ما معتقدیم وحدتی می باشیم که بر مرز بندیهای دقیق و اصول استوار مارکسیسم لنینیسم قرار دارد و بر آنیم که هرگونه وحدتی که این اصول را در نظر نگذرد محکوم به شکست است. لنین میگفته "بیش از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد گردیم ابتدا بطور قطعی و صریح لازم است خط فاصلی بین خود قرار دهیم." و رفیق استالین در تاریخچه مختصر حزب بلشویک می نویسد: "چنانکه هنگام تندرستی زخم را نمی توان تحمل کرد، در محیط خود نیز اپورتونیسم را نمی توان تحمل نمود"

بر اساس این سیاست است که ما به رفقای رزمندگان می گوئیم سیاست شما در مورد وحدت جنبش کمونیستی در پی آن نیست تا "بطور قطعی و صریح" خط فاصل بکشیم و مارکسیسم لنینیسم را از انحراف رویزیونیستی دور سازد. ما به رفقای رزمندگان می گوئیم شما می - خواهید زخم رویزیونیستی را در قامت وحدت کمونیست - ها نگاه دارید زخمی که چرکین است و مارکسیسم لنینیسم هیچگاه نمی تواند سرآشتی با آن داشته باشد. آری بر خلاف رفقای رزمندگان که معیار اصلی تز سوسیال امپریالیسم را خوار شمرده و بی ارزش جلوه میدهند و آنرا نه تنها جزو اصول جنبش کمونیستی قرار نداده، بلکه جزو معیارهای وحدت کمونیستها و بنا گذیر ملاک عضویت در یک شکل کمونیستی در نظر نمیگیرند، ما معتقدیم که تز سوسیال امپریالیسم یک اصل ایدئولوژیک جنبش، یک اصل وحدت جنبش و یک اصل تشکیلاتی یک سازمان بشمار می آید. جز این هر چه باشد یک انحراف رویزیونیستی است.

ادامه دارد.

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اخراج معلمین انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی توده‌ها

تصفیه و اخراج عناصر آگاه و انقلابی در ادارات از جمله معلمین مبارز و کمونیست از اداره آموزش و پرورش بود رژیم بمبوبات افشای اجباری برخی ساواکیها در آموزش و پرورش، اساسی معلمین انقلابی را نیز زدردیف اساسی آنها جای میدهد تا اعتبار معلمین کمونیست و انقلابی را در بین زحمتکشان و توده‌های دانش آموز خدشه دار سازد.

علاوه بر مواردفوق، رژیم جمهوری اسلامی برای تصفیه و اخراج معلمین انقلابی، فصل تابستان را انتخاب کرده بود و بر مبنای محاسبات خود، میبنداشت که دانش آموزان انقلابی به علت تعطیل بودن مدارس و عدم شکل جنبش دانش آموزی، نمی توانند بر علیه اخراج معلمین انقلابی خود توسط رژیم مبارزه کنند و بریابا همین سیاست بود که ما در فصل تابستان، شاهد اخراج دسته جمعی معلمین انقلابی و مبارز در تبریز، اهواز، شیراز، و شهرهای دیگر ایران بودیم.

اخراج معلمین آگاه و انقلابی توطئه دیگری برای سرکوب نیروهای انقلابی بویژه کمونیستهاست

"انقلاب فرهنگی" تاکنون بشمار دهها تن از فرزندانش انقلابی خلقهای میهن مانجا میدهد است. این سیاست سرکوب گران رژیم، نه فقط مراکز آموزشی از جمله دانشگاه و مدرسه بلکه خلقهای میهن ما را هدف قرار داده است تا بدینوسیله با ممانعت از فعالیتهای آنها هگران و افشاگران معلمین انقلابی در مدارس در مورد کشتاری که رژیم در کردستان و شهرهای دیگر ایران از خلقها و زحمتکشان برآه انداخته است و با به انزوا کشیدن مبارزان خلقهای تحت ستم ما بخصوص خلق تهران، اهداف ضد خلقی خود در جهت سرکوب خلقهای زحمتکشان را براحتی دنبال نماید.

- معلم انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقیض برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب، در تاریخ انقلابات، همواره مورد سرکوب رژیم های ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد.
- چماق "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارز را اخراج می کند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هئیت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی، ضدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گرد مراکز آموزشی، نشان می دهد.
- اخراج معلمین انقلابی و کمونیست توطئه دیگریست بر ضد آگاهی توده ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتکشان و فرزندانش آنها و نقشه دیگری برای سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی و خدمتی است که رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم می کند.

معلمین مبارز میهن ما به علت تعلقات ایدئولوژیک - سیاسی خود به سازمانهای کمونیستی و انقلابی از یک سو و به علت داشتن شکل صنفی - سیاسی آگاهانه خود در جهت دفاع از منافع توده‌های زحمتکش و دادن آگاهی به توده‌ها از سوی دیگر، همواره در عرصه مبارزه توده‌ها نقش فعالی داشته و دارند و خود را در سازماندهی و راهبردهای انقلابی به جنبشهای توده‌های بویژه جنبش دانش آموزان انقلابی و در حمایت از مبارزان زحمتکشان و خلقهای تحت ستم، حرکتهای انقلابی با یاری از خودشان داده اند. حال معلمین کمونیست و مبارزان طریقتی فعال و روزمره مبارز توده‌های دانش آموزان استخوان استخوانی - بخش طبقه کارگر را بین آنها تبلیغ و ترویج نموده و بر اساس رهنمودهای نیروهای انقلابی در جهت پیوند هر چه بیشتر مبارزان مراکز آموزشی با مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه ارتجاع حاکم، نقش نمایی کنند. جای "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارز را اخراج میکند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هئیت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی فدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گرد مراکز آموزشی، نشان میدهد. البته رژیم جمهوری اسلامی به اخراج معلمین کمونیست بسنده نمیکنند. چرا که سبکها ام ساختن معلمین جدید، با تقویت عقاید و با روحیه‌های ساواک کوبه میخواهد معلمین کمونیست و انقلابی را و طلب استفاده از آنها نموده و کانسبی

جماداران انقلاب فرهنگی رژیم در آموزش و پرورش به معنای "با کسای" هر روز هفتاد تن از معلمین انقلابی را همراه با معدودی ساواکی از ادارات آموزشی پرورش اخراج میکنند. لازم است ذکر است که اخراج و تصفیه ساواکیها و وابستگان رژیم مزدورانه، کسب در مدارس جمهوری اسلامی تحت فشار توده‌ها بستان دست میزنند امری نیست که طی چند ماه اخیر برای توده های زحمتکشان میهن ما مطرح شده باشد. نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها و معلمین آگاه و مترقی از همان ابتدای بعد از قیام مبارها بصراحت برانفکاش و اخراج ساواکیها و مزدوران رژیم را در ادارات و محازات آنها تا کسب دست اندازد. آنها با افشاکاری های خودشان دادند که ساواکیها و مزدوران رژیم با همراهما سرسپردگان امپریالیسم درسی خرد زدن به خلقهای میهن ما می باشند.

رژیم جمهوری اسلامی که در طی حدود یک سال و نیم حاکمیت خود دست به مناقع طغیانی اش از افشای ساواکیها و مزدوران رژیم و اسامه امپریالیسم شاه سرا زده بود، بعد از برطاندن بوطئه‌های امپریالیسم برای انجام کودتا در مرداد ماه گذشته - که با بس کودتا مورد حمایت ساواکیها و مزدوران شاه پیروز شد و تحت فشار مبارزات توده‌ها و افشاکاری نیروهای انقلابی و سایر با اصطلاح انقلابی نشان دادن خود اسامی عده‌ای از ساواکیها و از جمله در آموزش و پرورش را اعلام کرد، اما رژیم را این کار هدف دیگری را نیز دنبال مسموده و آن سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی در تداوم ضد انقلاب فرهنگی خود مبنی بر جاکیزین کردن فرهنگ بوسیده و ارتجاعی همرا با سرکوب دانشجویان، معلمین و دانش آموزان انقلابی، بجای فرهنگ انقلابی و مترقی و بویای مورد نیاز جنبش خلقهای ایران، در ما ههای اخیر به اخراج کلیه معلمین آگاه و انقلابی دست زده است و کما کسان به این عمل ضد مردمی خود ادامه میدهد. سردستاران وزارت آموزش و پرورش تحت پوشش "مکتبی و اسلامی" نبودن معلمین اخراجی میخواهند به اعمال سرکوب - گران خود جنبه‌های قانونی بختند. برای هر عنصر آگاهی روشن است که چرا رژیم جمهوری اسلامی، این چنین با معلمین انقلابی و مبارز دشمنی میوزد. معلمین انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقش برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب در تاریخ انقلابات همواره مورد سرکوب رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد. معلمین آگاه که در انبساط ملموس با زندگی زحمتکشان و فرزندانش آنها قرار دارند، به علت پیوند عینی و درک واقعیتات توده‌ها و نفوذ ستم طبقاتی جاری در جامعه، بنا به وظایف انقلابی خود در گزینش همان چهل و سورا میهن توده و حادثه‌ها خود کوشیده اند در جهت آگاهی دادن به فرزندانش کارگران و زحمتکشان و هنگامی با مبارزات طبقاتی آنان از پیشگامان جنبش دمکراتیک - فدا امپریالیستی توده های زحمتکشان میهن ما بوده اند.

تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران از جانبازها و مبارزات آنتی امپریالیسم معلمین انقلابی و کمونیست حکایت میکند، انقلابیون شهیدی همچون ممدبهرنگی، مرضیه احمدی اسکوشی، کرجی بیانی، عبداللہ نزل و دهها معلم شهید کمونیست و انقلابی چه در دوره حاکمیت رژیم وابسته شاه و چه در زمان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، با مبارزات و شهادت خودشان داده اند که جز به راه رهایی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم نمی اندیشند. بنا بر این دشمنی رژیمهای ضد خلقی با معلمین آگاه و انقلابی از همین روست است. اینگونه رژیمها، نابودی خود وسط فرهنگ کین و ارتجاعی خود را در آگاهی و آزادی زحمتکشان و فرزندانش آنها می بینند و بر همین اساس به سرکوب و کشتار معلمین انقلابی و مبارز دست میزنند.

هیات حاکمه ایران علاوه بر انعام معلمین انقلابی در شهرهای مختلف بویژه در کردستان و کسب، علاوه بر دستگیری و زندانی نمودن عده کثیری از آنها، اکنون با در پیش گرفتن سیاست اخراج کامل معلمین انقلابی در پی عمل کردن کامل ضد انقلاب فرهنگی خود می باشد بدون شک اخراج و تصفیه معلمین انقلابی، جزئی از سیاستهای سرکوب گران رژیم در ضدیت با آگاهی و آزادی زحمتکشان و خلقها و بختی از بوطئه‌هایی است که ستم

در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه برخیزیم!

بعده از صفحه ۱۲ جنگ غیر عادلانه ...
 کمیونسبی و دسا وردها ئی کهنوده ها از ورای سهال
 مبرزه حاد طبقاتی با خود حمل میکنند ، نقاد ههای
 امبریا لیسها و بحران عمومی در جهان امبریا لیسنی
 و در منطقه ، همه و همه مجموعه عوامی است که جنم ساز
 سوید خنی را بر پیش روی کمیونسها ، انقلابیون و
 سوده های مبارز طبق ما میکسرا ند . دور زیم ارتجاعی
 جنگ تحلیلی را برای سد کردن امواج خروسان جنس
 سوده ای براه انداخته اند ، لیکن کسری این امواج
 جروشده بر علیه هر دور زیم اوج خواهد گرفت و طبقات
 داری برای خود آنها خواهد کردند ، و این تحریک است
 که با رها و با رها دریا ریخ نه انبات رسده است .
 کمیونسها با بدنا ما طبقات ما این جنگ ارتجاعی
 را که هدف خود را مانعند با جنس انقلابی در دو جا معه
 ایران و عراق و حرکت رو بر ند آن فرار داده است ،
 محکوم سوده و با جدیدت ما از حمانت انقلاب و کسری
 جنس سوده ای ، این در کشور دفاع نمائند ، هر کوسه
 لغزنی با ما سخته کار زن در این وظیفه ، در حکم لغزیدن
 به سمت ضد انقلابیون و عدم پیوستن از نما آرمائیه های
 ولای انقلابی است . سیمان سبت که بورژوازی ارتجاعی
 هر دو کشور می کند با بیولنا ریا و سوده ههای
 زحمتگن هر دو کشور را اریکدی کرد و ر کرده ، در مقابل هم
 فرار دهند ، هما تگوسه که سعی میکنند با طغ شوینستی
 منطخ خود ، بیولنا ریا و زحمتگان کشور خود را به جنگ
 برادر کنی بگناتند ، وظیفه کمیونسهاست که سبای
 تبلیغات خود را بر وحدت منافع بیولنا ریا و زحمتگان
 دو کشور بر ضدیت همه آنها با بورژوازی بطور کلی و
 بورژوازی کشور خودی بویزه فرار دهند .
 وظیفه عمده دیگری که کمیونسها بر عهده دارند ،
 افشای ترهات روی بویونسها ی رنگارنگ و مواضع ضد
 انقلابی آنها در برابر این جنگ است .
 امروز روی بویونسها ئی ما سبت "حرب سوده" و
 سازمان جریکهای فدا ئی (کشریت) و روی بویونسها ی
 سهجائی ، جنس و انموده میا زند که رژیمها کم سوده -
 های خلق جبهه انقلابی را تشکیل داده و سوده ها و هیات
 حاکمه "منحدا ئی" بدست ما بله با سوطه و سها حمیر خیزند!
 روی بویونسها که نوکر بورژوازی می باشند مرز بین

ارتجاعی و ضد انقلاب را مخدوش نمائند و زیاده ها حاکمه
 را "منحخلق" ما جلوه میدهند ، آنان فقط تجا و زور زیم
 فاشیستی عراق را در نظر گرفته و میکوشند تا ما هیبت
 ارتجاعی هیات حاکمه در پیوشن باقی بماند ، آنسان
 هما بطور که بورژوازی در پی آن است ، میکوشند تا
 طبقه کارگر و سوده ها را به گرد بورژوازی و سخت رهبری
 دولت بورژوازی بسج نمایند و منافع سوده هها را
 تریبای منافع ارتجاعی هیات حاکمه ایران سازند .
 بمنظور کمک به توده های خلق که در اثر جنگ
 ارتجاعی کنونی دچار مصائب شدید شده اند ،
 ضروری است ، فعلا نه تمامی امکانات بزرگسکی ،
 داروشی ، حفاظتی و کلیه اقدامات امدادی را بسج
 و در خدمت به توده های زجر کشیده بکار گیرند .
 بدون شک این اقدام انقلابی بی حمایت و امداد ،
 در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی منی برافشای
 اهداف ارتجاعی جنگ کنونی چه از طرف هیات
 حاکمه ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود .

پیشنهاد برای مطالعه

رفقا! برای درک عمیقتر از موضع سازمان در جنگ
 ایران و عراق ، لازم است از سبیه برخورد مارکسیستها
 به جنگ آگاه بود . ما برای شناخت و درک
 مارکسیستی از مقوله جنگ و برخورد کمیونسها به آن
 متون عام زیر را معرفی می کنیم . تا رفا قاضمن غنی تر
 شدن شناختسان از این مسئله هر چه بیشتر موضع
 مارکسیستی نسبت به جنگ ایران و عراق را تبلیغ
 و ترویج کنند .

- ۱ - سوسیالیسم و جنگ - لنین
- ۲ - نقل قولهای از لنین درباره جنگ - از
انتشارات سازمان پیکار
- ۳ - همه به پیکار علیه د نیکین! - لنین - منتخب
آثار صفحه ۷۰۱
- ۴ - جنگ و سوسیال د مکرسی روسیه - لنین -
منتخب آثار صفحه ۳۷۸
- ۵ - درباره غرور ملی و لیگاروسها - لنین ، منتخب
آثار صفحه ۳۸۲
- ۶ - درباره جبهه واحد برای حفظ صلح ، د بیتی رفقا

جنگ ایران و عراق بفتح توده های دوکشور نیست

و آموزشها ، نظا هرا سب داس آ موز و معلم انقلابی
 جدائی می انگند ، اما هر دو آنها ، صوف رزمند و
 انقلابی خود را در ستر مبارزات کارگران ، زحمتگان
 و خلفهای مین ما مستحکم تر نموده و دوش بدوش هم در
 راههای خلفیا و زحمتگان از قید ستم ستم سر ما ب
 - داری و استهتیکار میکنند .

بعضی بحسد
 ...
 تردیدی سبب که اخراج و محمه معلمین انقلابی
 امر را کز آ موزی هرگز نمی نواند پیوندس داس -
 آ موزان و معلمین انقلابی را از هم بکشد ، چرا که اگر چه
 رژیم با اخراج معلمین کمیونس و انقلابی از مدارس

ضمیمه پیکار ۷۳ منتشر شد

پایه توضیحی
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
درباره "جنگ ایران و عراق"

۱- با شکل و سازماندهی مبارزات خود به شکل
 افشاکریها ، میتینگهای اعتراضی و نظا هرات و ...
 متحدانه با تصفیه و اخراج ضد انقلابی معلمین کمیونس
 و انقلابی توسط رژیم به مقابله برخیزد و ضمن افشای
 نقبتش عقاید را در استخدا معلمین با تمام توان برای ساز
 - گردا سدن همکاران انقلابی اخراج سده کمیونس
 مبارزه کند .
 ۲- تصفیه و اخراج معلمین کمیونس و انقلابی
 را به مفهوم جزئی ارسائیه های ضد مکرانتیک رزم در
 سرکوب نیروهای انقلابی ، خلفیا و زحمتگان را در س
 سوده های زحمتگن از طریق تناس مستحبا آنها با ا
 طریق اعلامیه تراکت و سربات افشاکرانه ، افشا
 نمایند و سبانه دهند که این اقدام رژیم جلوه های ار
 ما هیبت ارتجاعی آن است .
 ۳- مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکمه
 را حول مبارزات طبقه کارگر شکل کبید و ضمن حماس
 فعال و بیکسرا مبرزه کارگران آنها را برای حما
 ارتما رزات خود جلب کنند .
 ۴- با شرکت فعال در جنس دانش آ موزان انقلابی
 در سازماندهی و ارائه رهنمودهای انقلابی لازم س
 آنها مجددا نه تلالی کبید .
 ۵- با افشای جریبهای روی بویونس و ضد انقلابی
 و سازشکارانه در سب خود ، مبارزات خود را هر چه سبتر

را به خدمت خود در آورده کار از هر سطر مطیع فرجک و منطقی
 ارتجاعی و تسلیم سبتم پیوسده و عقب مانده آ موزنی
 ایوسده سبند (بدیکار ۷۲ مرا جعد کنید) .
 اخراج معلمین انقلابی و کمیونس سوطه دیگری
 است بر ضد ردا آکا هی سوده ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتگان
 و فرزند آن آنها و نقشه دیگری برای سرکوب کمیونسها
 و نیروهای انقلابی و خدمتی است که رژیم کمیونسوری
 اسلامی بدامبریا لیس میکند ، حافظان سرما نه درسی
 آسند که با نگه ربا آکا هی سوده های زحمتگن و در سبده
 سوهم آنها ، مانع ارسعی مبارزات ضد ارتجاعی و ضد
 امبریا لیسنی زحمتگان سبهن ما کردند و سبهن خاطر
 هریبها دا انقلابی و سمرقی و هر قشر آکا ها جنمائی را س
 انواع سوه ها سرکوب میکنند ، سرکوب آکا هی خواست
 امبریا لیس و یکی از ملزومات حاکمیت نظام و فرهنگ
 پیوسده و منطخ سرما نه داری و استهت است ، تصفیه و
 اخراج معلمین انقلابی و بویزه کمیونس از جمله
 اهدافی است که امبریا لیس و ارتجاع برای ساسودی
 نیروهای انقلابی و بویزه کمیونسها بمانا به بیکر -
 ترین وقاطمترین نیروهای ضد امبریا لیس میخواهند
 سدان سحقق سبند .

معلمین کمیونس است
آموزگران آگاه و انقلابی!

رژیم کمیوری اسلامی به واسطه و جنت خو بس از
 فعالیت و کوششهای افشاکرانه و آکا هکارانه سبها
 اخراج و تصفیه سها و همکاران سبنا دست میزند ، با توجه
 بداینکه زسوشی دامنه اخراجیهای ضد انقلابی همکاران
 شمال زمدارین و آ موزنگها ، بدست رژیم روز بروز سترده تر
 میشود و از سوی دیگر اعلای جنبشهای توده ای بویزه
 سوده های انقلابی دانش آ موزان ، به همبستگی و پیوند
 مبارزاتی افشاکرانه و انقلابی از جمله سمانیا زدا رد
 شکل مبارزاتی و شرکت فعال سها در مبارزات سوده ها
 سبش از هر زمان دیگر ضرورت می یابد ، بنا بر جنس
 شرایطی وظیفه سهاست :
 ۱- با شکل و سازماندهی مبارزات خود به شکل
 افشاکریها ، میتینگهای اعتراضی و نظا هرات و ...
 متحدانه با تصفیه و اخراج ضد انقلابی معلمین کمیونس
 و انقلابی توسط رژیم به مقابله برخیزد و ضمن افشای
 نقبتش عقاید را در استخدا معلمین با تمام توان برای ساز
 - گردا سدن همکاران انقلابی اخراج سده کمیونس
 مبارزه کند .
 ۲- تصفیه و اخراج معلمین کمیونس و انقلابی
 را به مفهوم جزئی ارسائیه های ضد مکرانتیک رزم در
 سرکوب نیروهای انقلابی ، خلفیا و زحمتگان را در س
 سوده های زحمتگن از طریق تناس مستحبا آنها با ا
 طریق اعلامیه تراکت و سربات افشاکرانه ، افشا
 نمایند و سبانه دهند که این اقدام رژیم جلوه های ار
 ما هیبت ارتجاعی آن است .
 ۳- مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکمه
 را حول مبارزات طبقه کارگر شکل کبید و ضمن حماس
 فعال و بیکسرا مبرزه کارگران آنها را برای حما
 ارتما رزات خود جلب کنند .
 ۴- با شرکت فعال در جنس دانش آ موزان انقلابی
 در سازماندهی و ارائه رهنمودهای انقلابی لازم س
 آنها مجددا نه تلالی کبید .
 ۵- با افشای جریبهای روی بویونس و ضد انقلابی
 و سازشکارانه در سب خود ، مبارزات خود را هر چه سبتر

بعد از صفحه ۲۳

پیکارگر شهید، رفیق مهدی علوی شوشتری

رفیق مهدی در سال ۱۳۳۲ در اهواز متولد شد. اولین سال در سن ۱۴ سالگی و در جریان نظامی و اعصاب و حرکت واحد یوسون را می بینم بحرمین اعلام شد تعجب او با او کفر ارتکاب، ساردهنگردن سال ۵۰ پس از برگزینی حسینی منسوب ۲۵۰۰ ساله دستگیر و حدود ۸۵ ماه در زندان بسر برد. سال ۵۲ در زندان با بخش اعلام شد نسبت اعدا مرتقا کلنجری و دانسان دستگیر و حدود ۲۴ ماه در انبارت بود. در فروردین ۵۴ در اسباط بانک محفل دانشجویی دستگیر و سه سال حبس محکوم شد.

رفیق مهدی در جریان سل خویشان با اسلامی خشکی تا بدین صافی سلبزدگان سافت و خندین ساندروز با آن سر برد. در جریان با صلاح ایقلاط نرهنکی ارجاع بحرم واهی سنگرانی دستگروسی ارحمل کیکو و ۲ ماه امارت در حرکات جمعه ۵۹/۴/۶ نه جوخه اعدا میسرودند.

پیکارگر شهید، رفیق مسعود صالحی راد

رفیق مسعود در سال ۱۳۳۸ در رست بند است آمد. سن ارتقا اعلی در مبارزه بوده ها سرک سگره. در جریان تا مد در بحرین و او که رست فعالیت سرک داشت. وی پس از تسامح با سدها سخویان مبارزه در سواری داشتند سرگی داشتند در سر بزود. رفیق دانشجویی فعالیت جنبانم سرگی ویکی ارموسلی سربانی سکلات داشتی جوان و دانش آموزان هوادار سازمان در سر سیر بود. در سال ۱۳۴۰ مرداد ۹۹ حکامک درگی ارمحلاب قهرسین سرسردر خان اعلامه های سازمان بود. به "حرم آکا خی دادن نه بوده ها همراه هم زمین

بعد از صفحه ۲۰

جنگ ایران ...

او امری که اسرائیل با همسازان می نالند دادند. **☆** اما ساز دادن بخارسی و طوکوری از هر آنجند موجب نگرانی و سوس خاطر آن بود محله کارها که کوهها جان ...

☆ - سبح مردم علمه "با بعد سازان" مسطورا را می سسررد در ره اول کسی است که اندام به حد خطی ایس وزیم را غلبه کارگران و رجمگان موزدان سازگری ترا را داده و می دهند. سرخس این فرمان کسی را که به نما ایستایی آکا حکر که می سردارد و نامت سسند طینی هر روز بر سازمان و عراقی و هدنیای آنان اراس حکر را برای سوده ها موشج سده ها بنده "دادگاه انقلاب" سخویان ندا انقلاب قبول دادند بود!

همانطور که سسینم رژیم انقلاب را آماج حملات خود ترا داده است و سبب سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی را منظور سکراندا می دهد. افسای عملگردن های رژیم در سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی و سوده های باحاطه خطی کرده ... بوزره در اس موقعت جاسر که رژیم سسرری سرقت را برای سرککاری با فساد است و سخو اعدا کتیب مدخلتی خود را سسام "انقلاب" و دعاغ از سینی نه سوده ها تا لب کتیب و طیف سیرم نیروهای کمونیستی و انقلابی است.

رفیق شهید طیب نجم الدینی دستگیر و با جلد ۲۳ عت سرور و خند در با سانیای اطراف حادثه اهر - سریر ایداحسد.

پیکارگر شهید، رفیق طیب نجم الدینی

رفیق طیب در سال ۱۳۳۷ در سسجد متولد شد. از همان ابتدای ورود به اسکاه سرسرد در مسسارزات صفتی - سیاسی دانشجویان و مبارزات بوده ای سرک فعال داشت. رفیق دانشجویی سال سوم سرگی و یکی از اعضای سربانی سکلات دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان در سر بزود. در سال ۱۳۴۰ مرداد در حین سجر اعلامه های سازمان درگی ارمحلاب قهرسین سرسرو سرت مردوران مسلح رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و با جلد ۲ عت سرور و خند در با سانیای اطراف حادثه اهر - سریراندا خند.

پیکارگر شهید، رفیق مسلم خلیج

رفیق مسلم در سال ۱۳۳۴ درگی ارمحلاب قهر - سنین نهران (جوانه) است. در آید. در دبیرستان با ما رکسسم لسنیم است آمد. در سال ۵۵ وارد اسکاه سوانسج... می داشتند نهران سدوار همان ابتدا در مبارزات صفتی - سیاسی دانشجویی سرکت فعال داشت. در زمان مدرکنا رسل خروان خلق فعالیت سرکت جنب سر آن ابتدا در صف دانشجویان سنگام بود و سسدر در ۵۸ هوادار سازمان شد.

اطباط سکلاتی، سنگار کمونیستی، قدرت بیوند سریم سار حتمگان و ... از سر سسند ترین خصوصیات سن بود. رفیق سر ارجا مدرنا ریم ۵۹/۵/۲۰ حین انجام یک وظیفه سنگلاتی (در صاف دف) قلبین که با عشق بنده سنگاری سخویان سازمان در راه آزادی طیفه کارگسر می طیفه از حرکت سازاستاد

بعد از صفحه ۱۹

دیگ ...

سری سرگ که به ایران آمدن سسرید به حد مجوزی با آتای سینی ملاتاب کرد؟ نه حد مجوزی او را به تم بردند و با بعضی ارمدرسن ملاتاب کرد؟ آن آتای سشول و راب امور خارج سوده؟ " (جمهوری اسلامی دوسسه ۶/۲۱) و سسند حک مطلوبه سسود و سالا حره "روسن" می - سوده که آن سواری انقلاب هم در جریان ملاتاب سسرینگی دسند است!

سوده های سینی ما سسند است که اس دعا ها به خاطر کفین جناسی و به اروری ممالج سوده های سینی ما سسند که طرسیم "عناثم" و سسند آوردن سسیم سسر در ندرت سیاسی است و در خلال این دعا ها، آنچه را که همه آنها سروری آن اسراک نظر دارند، سرکوب سوده ها و سرورهای انقلابی و کمونیستی است.

توضیح:

د ساله صاحب سبارقا حسین روحانی و ستراب حق سناس سیرامون تناس با آیت الله خمینی در رنجف در سالهای ۴۹ تا ۵۴ رادراین شماره نیز بدلیل تراکم مطالب روز شیاوردیم. با یوسوش از خوانندگان آن راد شماره آینده ادا می دهیم.

ملاحظات کوتاه

عبور از سوراخ سوزن، گیر کردن در دروازه!

رژیمی که حتی یک اعلامیه و پوستری متعلق به نیروی - های انقلابی را هم در کوجپس کوچه های شهر می بیند و آنرا با المپای سنی گذارد، رژیمی که از سوده های دچار بوم میخواهد که کوچکترین حرکت نیروهای کمونیستی و انقلابی را که در جهت منافع کارگران و زحمتکشان کارمکنند به کمینه ها و مسا جدو بسا کهها کنارش کنند. آری رژیمی که این مسائل را می سسند معلوم نیست چرا ورود هوا بیما های امریکائی و فرود آنها را در طین سنی سسند! معلوم نیست چرا هوا بیما های عراقی را که می آسند و فرودگاههای تهران و شهرسنا سنها را می - کوی سسند می بسند!

آیاد استان کسی که از سوراخ سوزن عبور میکند و از در دروازه نمیشود است خارج نمیشود تکرار شده است!

رابطه چک یک ملیونی و "کشاورزان" هادی غفاری!

هادی غفاری "سرک جماعت داران" و رئیس کل ازل اول و اباش کسرو که نشان در هر هجوم و یورنی به سرورهای انقلابی و مبارزاتی سیاسی پیدا سسود، در روز ۲۴ سپهر سردر مجلس "سواری اسلامی" گفته است که: "جنروری سسند به چک یک ملیون سوما می از وزیر کسا وزی دانسم که بوضع کنا وزران نمال رسدگی کم" (انقلاب اسلامی - ۲۶ سپهر ۵۹)

درما های اخباریکبار هم سسند که های هادی غفاری به سپهری سسرودسین از غریبه کسی های مسسول او اجساعات و مبارزات سسرورهای انقلابی موزد سسورش جماعت داران واقع سسود. البته سسرورهای هادی غفاری هم سسحال و شهرهای کسلان و سسندران سوده و مسسند (البته برای رسدگی بوضع کسا وزران آن سواخی !!!)، اگر به صفحات شماره های مختلف روزنامه "جمهوری اسلامی" مراجعه کنید خواهد دید که مناسنسب سسرور "حبس الا سلام عتاری" جمعی از روسا نشان با آگاه به سحر یک اسن سسمر که بیوک و برهبری اباش سسند مبارز جمع نیروهای انقلابی و کمونیست یورنی سسند و خراسی سساراً سسوده و سسدمات جانی سسیداً سسوده اند و در اینجا است که ارتباط چک یک ملیونی هادی غفاری و چگونگی رسدگی بوضع کسا وزران شمال روشن می - سسود. عمل مرتجعین، خود افسا کرما هیت آنها است. هادی غفاری که مقبول خودش "فانسیت بازی" خود را به مردم ما سسود داده است برای کارها سسند مدال سسند احتیاج به بودجه هم دار که از حبس زحمتکشان ما و بدست آتای وز سسرکنا وزی! پرداخت شده است. در هفته های آینده حتما سسند شمردان "رسدگی هادی غفاری به وضع کسا وزران"! شمال خواهد هم بود. فکر نکنید که "جماعتی - داری" خرجی سسارند!

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

دانش آموزان انقلابی! فرزندان زحمتکشان!

پرچم مبارزات ضد امپریالیستی،

ضد ارتجاعی تان را برافرازید!

رژیم که در سراسر جامعه، فعالیت نیروهای انقلابی را در مناسبت سرکوب میکند، میگوید تا آزادی فعالیت سیاسی در مدارس را از شما سلب نماید.

رژیم که مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم را بخون میکند، آماده است تا نظا هرات، اعتصابات و تحصنهای برجستان بایسیج جماعتد اران و سلیک تیراسد اران پاسخ گوید.

رژیم که کردستان را بمباران میکند و دهقانان زحمتکش را به توپ میند، آماده است تا فریاد حق طلبانه تان را با اخراج از مدارس، زندان و شکنجه پاسخ گوید.

رژیم از ترس آگاه شدن تودها، دانشگاه را میند و میگوید با ایجاد جو خفتان و تفتیش نماید از گسترش آگاهی تان جلوگیری کند.

اما مبارزات انقلابی شما جزئی از مبارزات تمامی خلقهای میهن بر علیه ارتجاع و امپریالیسم است:

- مبارزه برای لغو تبعیض نامه آریامهری، شهریه ود و نوبتی کردن مدارس.
- مبارزه برای جلوگیری از اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی بجزم عقاید سیاسی و مبارزه با تفتیش عقاید در مدارس.
- مبارزه برای نابودی فرهنگ استعماری و کوشش در جهت بازگشایی دانشگاه.
- مبارزه در جهت پیوند مبارزات تان با مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن و خصوص خلق ستمدیده کرد.
- با مبارزه فعال با امپریالیسم و ارتجاع در سال تحصیلی جدید با شعار افشاگری! سا زماندهی!

قاومت سراسری به پیش!

سازمان یکار در راه آزادی طبقه کارگر

سری ب - ت ش ۷۲۰

۵۹/۶/۳۱

کارگران! زحمتکشان!

از خواسته های فرزندان تان،

دانش آموزان انقلابی حمایت کنید!

فرزندان تان، دانش آموزان انقلابی خواهان آزادی فعالیت سیاسی هستند تا بتوانند از حقوق زحمتکشان دفاع کنند.

آنها میخواهند شهریه که بارگانی بردوش شما زحمتکشان است و نیز ود نوبتی شدن مدارس که هدفی جز مزاحمت و در کردن فعالیت سیاسی دانش آموزان ندارد لغو گردد.

آنها از تبعیض نامه های آریامهری که از سوی رژیم به اتان تحمیل میشود دبیزارند.

آنها تفتیش عقاید در مدارس و اخراج معلمان و دانش آموزان مبارز را بطریق سیاسی شان ران میخواهند بپزد بزند. آنها میخواهند دانشگاهها این سنگرزادی بازشو د تا دانشجویان انقلابی بتوانند به آگاه گردن تودها بپیروازند. آنها میخواهند خلق کرد به خون کشیده نشود و مبارزات کارگران و زحمتکشان سرکوب نگردد. آنها میخواهند سرمایه داری وابسته نابود شود و بدین خاطر در معرض هجوم رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند.

کارگران! زحمتکشان!

شما باید از این خواسته های برحق پشتیبانی کنید. ازهر راهی که میتوانید: با تشویق فرزندان تان به مبارزه، با شرکت در مبارزات برحق فرزندان تان، با افشای اقدامات رژیم در مدرسه، کارخانه، و مزرعه و... فرزندان تان خواهان این پشتیبانی هستند.

مبارزات دانش آموزان انقلابی جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خلقهای میهن ما است.

سازمان یکار در راه آزادی طبقه کارگر

سری ب - ت ش ۷۶۰

۵۹/۶/۳۱

ملاحظات کوتاه

از روزنامه انقلاب اسلامی ۳۱ شهریور ۵۹
آیا این هم از رنبرات "رسدگی های غفاری" به وضع
کنا و رزان شمال است؟

فآرامیهای دیروز
قائم شهر
یک نفر کشته و
۱۰۰ نفر زخمی
بجای گذاشت

صفحه آخر

بین هراداران گروههای سیاسی و مردم درگیری ایجاد شد که در این درگیری شخصی بنام محمد حسین صادقی کشته و حدود ۸۰۰ نفر زخمی شدند. در صفحه ۱۱

قائم شهر - خبرنگار انقلاب اسلامی در پی تصفیه و پاکسازی عمده - نهادهای قائم شهر از پوسنرهای تبلیغاتی و کسوسها و دهکدهای نثریات غیرمجاز گروههای سیاسی

دیگ به دیگ میگه روت سیاه!

زمانی بود که کمونیستها میگفتند بزدی و بازرگان و دیگر لیبرالها با امپریالیستها سازش و مماشات کرده اند اما حزب جمهوری اسلامی و نیز آیت الله خمینی شدیداً از این آفتابان حمایت میکردند و متحدان بر علیه انقلابیون عمل میکردند. اما حالا که دعوا بر سر قدرت اوج گرفته است، دوستان دیرین دست هم را در میکنند بهشتی و بازرگان، دوستانی که با هم پیش زغال هویز آمریکا می رفتند و برای جلوگیری از بیخیزی انقلاب و در واقع برای حفظ منافع امپریالیسم متحدان سوگند یاد میکردند حالا بر سر تقسیم "غنایم" بجان هم افتاده اند.

بدین ترتیب است که در پنجم شهریور ۲۷ شهریور نمایندگان حزب جمهوری دست بزدی و بازرگان را در ملاقات با برزیلکی روس میکنند و بزدی هم دست بهشتی را! جریان خیانتهای بزدی و بازرگان و... را با رها در بیجا رفتن کرده ایم، اینجا جریان "تفا سهای دیپلماتیک" آقای بهشتی "تدا میرالیست" را با جاسوسان آمریکائی از زبان وزیر خارجه دولت موقت آقای بزدی بخوانیم.

بزدی گفت:

"همان زمانی که ما سده وزارت امور خارجه در آمریکا آمدیم ایران، غیر از وزیر خارجه خلی آفتابان دیگر ملاقات کرد... شما به وزیر امور خارجه در میان اعتراض می کنید که چرا با یک دیپلمات خارجی ملاقات کرده ولی کما شکر در مقام مسئولیت، روی جمهوری ما اینها ملاقات کردند؟ بنده از شما سؤال میکنم آقای بنده در صفحه ۱۸

آزادی فعالیت های سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است

بعد از صفحه ۱ جنگ ایران

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

۲- موفقت برای حکم‌دو مع لسان‌الکلبی‌ها...
۳- موفقت برای حکم‌دو مع لسان‌الکلبی‌ها...
۴- موفقت برای حکم‌دو مع لسان‌الکلبی‌ها...

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

نکده‌ها در چارهای حیات خاک‌نمودن هدفان نفیوت ارتش سردار...
مردم‌یاس، اندامات سود نفیوت ارتش اطرز نفی مدرک...
منظر جنس لحظاتی سودا به براماری ارتش بنزد ارد...
آغاز شده است، منظر جنس و راهی در برده سال ۶۵ رافرا...
حوادث، سرار حمله عراق به فرودگاه‌های کسور،...
رادو و سوپا بر روی دست به تبلیغات سرانم آوری بنود...
ارتش رتند، سرودها، مصاحبه‌ها و تفصیرهای فزوا و سیاسی...
بحسب، مصاحبه‌هایی که در آن ارتش از زمان مزدورانم...
کله میگردید که تا سر "مصافح" و "مصافحان"...

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

سرای خودمخاری در چارهای ایرانی مستفل و دمکراسیک سیرده‌کنند، پس برای رژیم سرکوب کردستان...
میتهی مرات در سیاست با رژیمهای مدخلی ارتش از عراق با زوبنده‌میوان کنار آمد، اما با بوده‌های...
انقلابی شد، پس لازم است که از این شرایط برای سرکوب...
بیشتر انقلاب استفاده شود، این است سیاست رژیم...
جمهوری اسلامی".

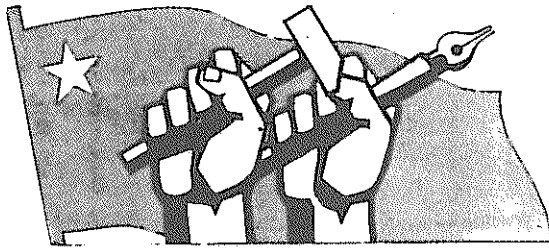
۲- سرکوب خونین در قشم شهر و ادامه آنها همه...
شهرهای شمالی؛
او این حزب الهی، حزب جمهوری و سپاه پاسداران...
فما شهر و همه آنها در ضد انقلابی رژیم، متحدان برای...
جمع آوری مسائل و کتابفروشی و جلوگیری از...
فعالیت سیاسی کمونیستها و مجاهدین به نیروهای...
انقلابی حمله و رتند، این سرکوب وحشیانه طبق آثار...
خود رژیم یک نفر کشته و ۸۰ نفر زخمی بجای گذاشت...
در حقیقت هفتصد کشته نیز ما نند هفته‌های قبیل...
رژیم‌ها خود را به نیروهای انقلابی در شهرهای...
شمالی کسور افزا شن داد، بدلیل آنکه می نسبی بوده...
های این شهرها و بیابکا وسیع بوده‌ای نیروهای...
انقلابی، رژیم‌ها استفاده از شرایط کنونی جنگ با عراق...
شما خود را به انقلاب در آن نواحی گسترده تر کرده...
است این حملات در شهرهای دیگری ما نندلا هیجان نیز...
ادامه یافت است.

۳- رژیم‌ها که در موقعیت استفاده کرده و از نیست...
دادن دروغترین و وقیحانه‌ترین اتهامات به نیرو...
های انقلابی و کمونیستی غافل نمی ماند، اما جمع...
سارهای بسیار وسیع آموخته‌ای سرکوب مردم خط با...
سروهای انقلابی احاطه می‌کنند که "گردت از فعالیت...
سردها رید مردم را به جان شما خواهیم انداخت!!"
فلسفی و اعظ معروف در برنا و هم‌فکره سپهد...
راهدی با یک سخنرانی برای نظامیان در اول مه...
ادعا می‌کنند که کمونیستها و نیروهای انقلابی عامل...
صغیای طولانی جلوی ما و اوشینا و میبیا و سزسیس...
هستند! چنین ادعایی را ما با رسمی سزرا رهرا از...
رسانه‌های گروهی بکار گرفته اند و روزنامه‌های جمهوری...
اسلامی آن را در صفحه اول با سزرتیرا زردا ست غلت...
صف طولانی را عمدتا با بد زسی، عمادای مردم نیست...
به نامین مواد ضروری زندگی توسط رژیم از یک سو و...
احکام را حاضر مودسیا مردم را طرف بر ما به داران و...
"تحر محترم" از سوی دیگر جستجو نمود.

۱- بوده‌های مردم را بر چارهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده‌اند، و ربح‌ها کم‌کم ما بآن ارجحیت مطلقات متعدد در معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله و در چنگ‌ها ما بآن ارجحیت مطلقات معادله...

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق!

هنرمقاومت هنرپرولتاری



نقد فیلم

مبارزین باسک: رویز یونیسیم علیه آوانتوریسم

در قسمت نخستین این بحث، بعنوان مقدمه، نگامی به تاریخچه مبارزات مردم اسپانیا و خلق باسک طی قرن اخیر انداختیم. همچنین به انحرافات که در درون جنبش کارگری و کمونیستی اسپانیا و باسک پدید آمد، منجمله آثار ریشم و تروتسکیسم، اشاره کردیم. اکنون به داستان فیلم می پردازیم.

داستان فیلم

همانطور که گفتیم فیلم در مورد گروهی از مبارزین باسک است که به مبارزه مسلحانه جدا از توده می پردازد. فیلم با صحنه ای از مراسم تدفین فرانکو، در سال ۱۹۷۵ آغاز می شود. و گوینده به آغاز یک دوره جدید زندگی مردم اسپانیا اشاره میکند. سپس فیلم آغاز می شود. زمان سال ۱۹۷۸ است. زنی از دوویک مرد را تعقیب میکند. پس از لحظاتی در خانه مرد که "چاپی" نام دارد ملبوم میشود که آنها زن و شوهر بوده و زمانی در یک گروه مخفی چریکی فعالیت میکردند. اکنون مرد به مبارزه خود همچون سابق ادامه میدهد و زن میکوشد به او بپیوندد که راه مبارزه و راه درستی نیست. این برخورد منجر به یادآوری گذشته میشود. وظیفه صحنه های بازگشت به عقب، ما "چاپی" را می بینیم که در مدرسه درس میخواند و از آنجا با ستمی که بر مردم باسک میروند آشنا میشود. معلم مدرسه "چاپی" و رفیقش را به شدت کتک میزند و از آن - ها میخواد هدیه زبان اسپانیولی حرف بزنند. صحنه ای دیگر این دورا در حال نوشتن شعار نشان میدهد. سپس در صحنه ای دیگر کشیشی در کلاس درس از فشار رویداداتی و فشار روحیانه ای که بر مردم باسک بوسیله رژیم وارد می آید صحبت میکند و اعلام مینماید که دیگر قا در نیست آرام بنشینند و ناچار است برای مبارزه کشیش بودن دست بکشد. سپس در سال بعد ما شاهد صحنه ای هستیم که یک جلسه مخفی از انقلابیون باسک را نشان میدهد. "خوزه" - کشیش سابق - رهبر این گروه است و آنها در مورد طرح ربودن ژنرال "کارهرو" دربارا فرانکو از دست و دشمن بیرحم انقلابیون حرف میزنند تا به این وسیله گروهی از زندانیان سیاسی را آزاد کنند. با لایحه یک دسته و طلب به رهبری "آزارا" یکی از افراد گروه، به "مادرید" میروند. وظیفه حوادثی با لایحه تصمیمی کشتن ژنرال که به نخست وزیر می منصوب شده است می - گیرند و موفق میشوند. با فیلم به سال ۱۹۷۸ به همان خانه ای که چاپی و همسرش در آن با هم ملاقات کردند مونتاز میشود. "چاپی" بیرون میروند و در حین انجام عملیات ترور علیه دو پلیس، خودش زخمی میشود. فیلم در بیمارستان و زمانی که همه دوستان سابق که اکنون دیگر از موضع سازشکارانه و رویزیونیستی مبارزه به

شوه سابق را قبول ندارند و بر بالین چاپی حاضر شده اند، پایان می گیرد.

معرفی یک گروه آوانتوریست (ماجرای)

چیزی که در طولها اول جلب نظر میکند کوش "جیلو" - پونته کوزو" کارگردان فیلم در تصویر کردن افکار، روحیات و خصوصیات آوانتوریستی و ماجراجویانه این گروه، از مبارزین باسک است. در واقع، طی صحنه های متعدد، دوربین در پی نشان دادن این امر است.

چنین گفته ای درک سرا پا ایده آلیستی "چاپی" را نشان میدهد و دارای آن نوع تفکر خرده بورژوازی است که تصور میکند با مدهیکتا توری خشن فرا نکونه بنا به مقتضیات عینی جامعه و ضروریات سیستم آن، بلکه برای وجود این یا آن فرد نا پاک ممکن است بسیاری همین نمی توانند دریا بدهک تا بودی رژیم فرانکو تنها طی مبارزه طبقاتی و بدست توده ها و با سرنگونی قهر - آمیز با کمیت طبقات ارتجاعی طی مبارزه مسلحانه توده ای مقدور است نه با کشتن جان نشین فرانکو! چنین درکی، جزیک استنباط اراده گرایانه (ولونتاریستی) نیست. گویی همه چیز به اراده و وجود فرد بستگی دارد. نظم فدا خلقی گویی حاصل میل و اراده "فرا دیدات" است و بنا بودی آن همه به تامل و اراده این یا آن فرد مربوط میشود. گویی کافیست فقط "کارهرو" کشته شود تا دیکتا توری خشن فرانکوایی که در اصل دیکتا توری طبقه ای علیه طبقات دیگر است تا نبوده شود! چنین تصوراتی بسیار شبیه به طرز تفکر سوسیال رولوسیونرها دیره، رفیق احمدزاده و... است. و ما را به یاد کسانمی می اندازد که لنین آن را اینگونه ترسیم میکند: "وظیفه ما نابود کردن همگی افراد ظالم و وحشی حکومت مطلقه بنا تنها وسیله ای (است) که حکومت مطلقه بر ایمان باقی گذاشته است" (لنین آوانتوریسم انقلابی).

۲- مشی جدا از توده

"مبارزین باسک" نه تنها به مبارزات توده ها و در رأس آنها ن به مبارزه طبقه کارگران ایمان ندارند بلکه عمیقاً دارای مشی جدا از توده بوده و روحیات آنها ن هم

کارگردان "مبارزین باسک"، "جیلو پونته کوزو" که زمانی عضو حزب رویزیونیست ایالتی بود، مرز بندی با مشی انحرافی و خرده بورژوازی را نه از زاویه کمونیستی بلکه از زاویه ای بورژوازی و ضد انقلابی انجام میدهد. این کارگردان قبل از این هم نشان داده بود که چه طلاقه فراوانی به تبلیغ مشی بورژوازی داشته و تا چه حد از انقلاب بیزار است.

یکبار "چاپی" و "آزارا" رهبر دسته، در حال گشت از مبارزه کارگران و اعتصاب و تظاهرات دانشجویان با خبر میشوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده ای ندارند بلکه شدیداً نسبت بدان بی توجه اند

۱- اراده گرایی

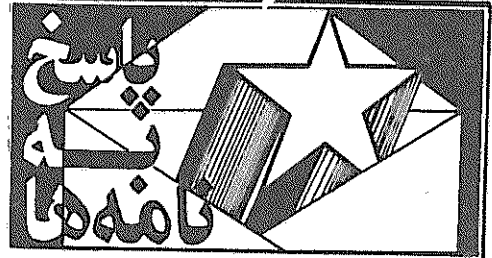
در بخش اول، کارگردان، طی گفتگوی "چاپی" و همسرش، "چاپی" را یک انقلابی جدا از توده و ماجراجو معرفی مینماید و در صحنه های بازگشت به گذشته نشانگر به نحو روشنی به این خصوصیات "مبارزین باسک" پی می برد. آنها ن به مبارزات توده ها توجهی ندارند و در ابتدا مسئله اساسی آنها ن گروگان گیری ژنرال است و در این میان "چاپی" آئینه تمام نمای تفکر روشنگر - ان انقلابی ماجراجوست که در مقابل جریان خود به خودی خشم و غضب فوق العاده آتشین روشنگرانسی که نمی توانستند امکان ندارند فعالیت انقلابی را با "نهضت کارگری در یک کل و احبیم بیبوندند" سرفرود می آورد، و همچون کسی است که "ایمانش از این امکان سلب شده یا هرگز به آن ایمان نداشته است و برای همین "حقیقتاً برای پیش دسوار است بجز ترور و راه دیگری برای القاء احساسات خشم آگین و انرژی انقلابی خویش بیابند" (داخل گیومه از لنین - چه با یاد کرد)

بشدت با توده ها بیگانه است، ما با چنین پدیده هایی در دوران مبارزات مسلحانه جدا از توده در ایران به طور روشن آشنا بودیم. رفیق پویان در کتاب خود آن - چنان نسبت به مبارزات توده ها بی اعتما دید که هر نوع امکان مبارزه توده ای را نفی میکرد و رفیق احمدزاده همین نظر را تعمیق میداد و با لایحه در دوران غلبه مشی چریکی نتیجه گیری میشد که انقلابیون باید جدا از توده ها به مبارزه بپردازند.

در فیلم هم ما به صحنه های فراوانی که گویای چنین بریدگی آشکاری از مبارزات توده ها و عدم پیوند با آن - ها است بر میخوریم. یکبار "چاپی" و "آزارا" رهبر دسته، در حال گشت، از مبارزه کارگران و اعتصاب و تظاهرات دانشجویان با خبر میشوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده ای ندارند بلکه شدیداً نسبت به آن بی توجه اند. و بویژه "آزارا" - که گونه ای به این مسئله برخورد میکند که گویی اتفاقاً نیفتاده و مسئله به آنها ن مربوط نیست.

یکبار هم وقتی "چاپی" برای خرید بیرون میروند، با یک آشوبس برآورد می که به پیک نیک میروند و سرگرم خندانند و از زنده و بیرومیشود. چاپی در موقع بازگشت شدیداً با سآلودونای میداست و در جستجوی دوستانش که از او غلت تغییر حالش را جویا میشوند می - گوید روزهای یکشنبه بد است چون همه به تفریح و

"چاپی" در برابر "خوزه" که اصرار میکند گروگان گیری فعلی کافیست اصرار میکند که ژنرال را باید کشت چرا که "کارهرو" بسیاری از دوستانشان را کشته است و اینکها و "جان نشین فرانکو میشود و تنها کسی است که می - تواند دیکتا توری را ادا مدهد، پس باید او را کشت!"



نامه‌ای از ت.ک. کارگر نظافت‌چی

این روزها نام یک کارگر نظافت‌چی بدست ما رسید. این نامه که متن آن را برای شما می‌آوریم علیرغم نامادگی و کوتاهی اش حاکی از یک دنیا درد و رنج زندگی و سستی است که نه تنها توسط رژیم سرپرده پهلوی بلکه توسط رژیم جمهوری اسلامی که تبلیغات "عدل و قسط" اسلامی او قومی نقاط جهان را پر کرده است بسزای این کارگر زحمتکش و میلیونها زحمتکش دیگر نظیر او رفته است. این کارگر جوان و در عین حال آنگاه، بدستی تکیه می‌کند که هر دو دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است و "هیچکدام به درد" دل مستضعفین نرسیده‌اند و بدستی ملاک خود را در شناخت این رژیم‌ها نه تبلیغات آنها و نه به اسلام می‌بویند و یا نبودن آنها بلکه به موضع و منافع طبقاتی این رژیم‌ها و این که آنها منافع چه طبقاتی را بر آورده می‌کنند و با چه طبقاتی دشمن هستند، قیام می‌دهند. نکته مهم دیگری که این جوان زحمتکش روی آن انگشت می‌گذارد، ضرورت کارگزاران هکانه بنیان زحمتکشان و آگاه‌ها و خشن آنها نسبت به رژیم است که بر آنها حکومت می‌کند، سستی که از جانب این رژیم بر آنها می‌رسد و چونگی "بدست آوردن حق خودشان از پولدارها" است و دست آخر خواستار شدن او از ما که در آنجا ما بین وظیفه کوتاه‌بینی و "از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بکنیم"...

به امید آنکه سازمان ما توانسته باشد آنچه را که این عنصر زحمتکش از ما خواسته است، به انجام برساند و با درود فراوان به این کارگر جوان و آگاه! ...
متن نامه: سازمان پیکار در زاهد آزادی طبقه کارگر:

من یک فرد نظافت‌چی هستم و ۲۲ سال هست و تا این سن دردهای زیادی کشیده‌ام و در این مدت دولتهای زیادی هم در این مملکت روی کار آمده اند ولی هیچ کدام به درد دل ما مستضعفین نرسیده‌اند زیرا هر دو دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است و از شما خواهش می‌کنم که از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بفرمایید و آنها را آگاه کنید و از بدبختیهای که برایشان بوجود آمده اند تا در بدست آوردن حق خودشان از پولدارها موفق باشند.
ت.ک
امضاء

رفیق دانش آموز "ک"

نامه‌ات رسید. در خواستها و انتقادات تو ما را بجا و وارد است. در مورد تشریح تئوریک و تحلیلی از مرحله انقلاب و تضادها، ما هیت حزب جمهوری اسلامی و... هم‌انطور که در شماره‌های گذشته در همین صفحه "پاسخ به نامه‌ها" نیز اشاره کردیم، باید بگوئیم که در رابطه با تصمیمات کنگره اخیر، سازمان در کنفرانس تبلیغی - سیاسی (پیکار رگنونی) یک تشریح تئوریک - سیاسی نیز خواهد داشت. همچنین در اولین فرصت

مصوبات کنگره در باره مرحله انقلاب و... در سطح جنبش منتشر خواهد شد. نسبت به ما بر موارید بگفته کرده بودی نیز کوشش خواهیم کرد تا در اولین فرصت بدان پاسخ لازم را بدهیم. در خواستها و پیشنهات خود را برای دانش آموزان بگوئیم که علیرغم تاکیدات ما، اسم خود را برای نامه‌اش نیاورد بود.

رفیق M و A از کج:

نامه‌تان رسید. برخورد فعال و رفا نسبت به موضوعیها و مبارزه با دشمنان و یک سازمان قابل تقدیر است. تا کید شما نسبت به مرزبندی با رویزیو - نیمه سبجهانی و گرايشات آن، در کنفرانس رویزیو نیسم خروشنجی، در مضمون مبارزه با دشمنان و یک، تاکیدی است بجا و درست که مورد توجه قرار خواهد داد.

در مورد ما حیدر رفا ترا با حق شناس و حسیمن روحانی، انتقاد کرده‌اید که چرا علیرغم تذکره رفیق حق - شناس که منبجوا همدار و ربتشهای مذهبی شوی در پیکار ۲۲ عملاً این کار صورت گرفته و این کار درستی نیست آنهم در یک ارگان سببیمی - سیاسی و اما فک کرده‌اید که "این مسائل بجز از من زدن، با اختلافات و تضادهای درون خلقی و ایجا دجوبیدبینی کار دیگری نمی‌کند... خط مواجبه با بدحول افشای حاکمیت موجود با دشمن اثبات حقانیت ما رکبست شدن سازمان برای مجاهدین که مواجبه این شما رعد عدا با به پیش می‌برد".

رفقا! اول باید بگوئیم که به دیدگاه ما این مواجبه از زمان ابتدای کثون علیرغم آنکه در بسیاری از موارد با مذهب و روحانیون برخورد میکنند (و این بسا توجه به موضوع مواجبه جتنا بنا پذیر بوده) و لسی هواریه این برخورد نه بصورت مجرد و مستقل از مواضع طبقاتی، بلکه مشخصاً در رابطه تنگ با مواضع و منافع طبقاتی صورت گرفته است. در همین رابطه مواجبه هیچگاه مذهب بوده‌ها و توده‌های مذهبی را مورد برخورد قرار نمی‌دهد و آنچه را که بر روی آن تکیه دارد اما مواضع و عملکردهای روحانیون بزرگ و از جمله آیت الله خمینی و آتهم از موضع طبقاتی آنان است. البته در اینجا و آنجا، مواجبه، ما مذهب و تقش آن را بلحاظ فلسفی و اجتماعی مورد توجه قرار میدهد که با زبیدیدگاه ما پرداختن به این مسئله تنها مورد ایراد نیست و نه تنها معنی ما من زدن به اختلافات و تضادهای درون خلقی و ایجا دجوبیدبینی (آنطور که شما تصور میکنید) نمی‌باشد، بلکه مری است که از نظر ترویجی (و بخصوص در شرایط کنونی) مواجبه نظقی که مذهب در ایجا ت توم شده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد و مواجبه نظقی که در دیدگاه ما التقاطی سازمان مجاهدین داشته‌ها (با بدیدان اهمیت ویژه‌ای دارد) و مواجبه اعتقاد ما سازمان در این مورد حتی کمکاری نیز داشته‌ها و مواجبه در جای خود به این مساله بپردازد.

در مورد پیشنهادتان نسبت به برخی شعارها، ما این مساله را در اولین فرصت بطور جدی و نه در توضیحی که نسبت به "شعارها" در پیکار خواهد آمد مورد توجه قرار میندھیم.

پیشنهاد آخر شما را جع به اهمیت برخورد و افشای رادیکالیهای خارجی از جمله رادیکالیها، کاملاً اصولی بوده و ما می‌گوئیم نسبت به این مساله و پبیا ده‌کردن پیشنهاد شما برخورد فعال‌تری بنمائیم.

در پایان باید این تذکرها به رفا بدهیم که علیرغم تاکیدات ما با زهر رفا اسما را بسا

حروف خارجی نوشتند!

دستان را بگیر می‌فشاریم. بی‌روزباید!

رفیق دانش آموز از غرب تهران

نامه‌ات رسید. پیشنهادات ارزنده و مثبت و برخورد فعال تو با امر تبلیغاتی سازمان قابل تحسین است. در پاسخ نامه تو با باید بگوئیم که پیشنهادت اول که جوهر آن را "تبلیغات زنده و بموقع" و "بقول لنین: مج مجرم را هنگام ارتکاب جرم گرفتن، تشکیل میدهد، بخصوص در این اواخر مورد توجه قرار گرفته و بسا برخورد انتقادی نسبت به گذشته در این زمینه می - کوشیم تا ملزومات و سازماندهی لازم را در این رابطه بوجود آوریم. طرح پیشنهادی تو را نیز در همین رابطه مورد توجه قرار خواهد داد.

پیشنهاد دوم تو یعنی متون تبلیغی کوتاه در پیکار جهت بازتکثیر و توزیع و تبلیغی و... را نیز مورد توجه قرار خواهد داد.

در پایان از رفیق دانش آموزان می‌خواهیم که بعد از این نامه خود را بدون اسم برای ما نفرستد. با درودهای گرم و به امید پیروزی!

تقدیر...

گذشت می‌روند و بعد فریاد می‌زند که آن‌ها املا متوجه نیستند که آنرا دیوها زنده‌ها می‌کنند و اگر ما فریاد بزنیم که با سک را می‌خواهیم از ادکنیم توجهی نمی‌کنند یکی دیگر از دوستان "چاپی" حرف‌ها را تا شنید می‌کنند مردم ما در برابر بی غیرت می‌خوانند!

به این ترتیب مبارزین با سک توده‌ها را محکوم میکنند که چرا روز یکشنبه به تفریح می‌روند، چرا آواز می‌خوانند، چرا به آن‌ها که خود می‌خواهند تندیها بسا با سک را از ادکنند! بسا توجه اندوچرا بی غیرت اند! و این در حالی است که چشم خود را به مبارزه توده‌ها بسته‌اند

فاسیونالیسم خرده بورژوازی

این مبارزین بنا به ما هیت طبقاتی خود نه تنها در شیوه‌های مبارزه در آنجا راجع فاند، بلکه آشکارا آلوده به فاسیونالیسم خرده بورژوازی اند. آنسان توجهی به مبارزات طبقه کارگر ندارند.

در همان لحظه ورود به ما در دیدگی از آنان می‌گوید که از ما در دیدنش آمده است! رهبر گروه معتقد است که هوای ما در دید به مردم با سک نمی‌سازد، یکی دیگر از مبارزین، مردم با سک را برخلاف مردم ما در دید با غیرت می‌خوانند! آنان در جای یک دیدگاه "ما م خلقی خسرده" بورژوازی در برخورد به مردم با سک هستند، کافی است هر چیز نشانی از "با سک" داشته‌ها شد تا آنان را به حمایت از خود برانگیزد. به این ترتیب آنان با عدم برخورد طبقه‌ای به مبارزات استقلال طلبانه مردم با سک هیچ - گاه قادر نیستند ضرورت پیوند مبارزات ملی را بسا مبارزه طبقاتی و همبستگی آن را با جنبش انقلابی پروولتاریا درک کرده و مبارزه برای استقلال و آزادی با سک را بسوی پیروزی رهنمون شوند. این مبارزات، خواهنا خواه منطقه‌های شکست را در دل خود می‌پرورد. اما بسبب "حیلونه پوتنه کورو"، کارگردان فیلم، این رویزیونیست کینه‌کار را با تالیاتی از جها و بهای به آنرا فاشات این مبارزات برخورد کرده و راه حل پیش - نهاده‌ای او چیست؟

(ادامه دارد)

گوشه‌ای از تبارنامه خونین خلق در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تحصیل کرد و سپس وارد ارتش شد. بچه‌های محله‌اش او را با ورزشکاران و ورزشکاران پر تحرک میشناختند و پس از آنها دوش یک مسابقه دوستانه فوتبال با بی‌باکی و برپا داشتند.

رفیق همزمان با او جکبوری جنبش انقلابی خلقها از ارتش گریخت و در جوار بیدارش گفت: "من نمیتوانم بروی مردم مسلح بکشم!" پس از قیام مجدداً به محصل خدمت (با دکان برورد) برگشت و در حالی که بی‌باک بود در آن زمان در ارتش با بود به فعالیت انقلابی و کارآگاهان را بر داشت. آنگاه که فعالیتش لو رفت با رديگرا ارتش فرار کرد و خود را به دفتر سازمان در سنج رسانید و بعلت شورا انقلابی و کارآئی و صلاحیتش در روابط پیشمرگه‌ای سازماندهی شد. رفیق امیر سرانجام در تاریخ ۱۷ خرداد در جریان یک درگیری با ارتش فدا خلقی به همراه همسرش رفیق مسعود ستایش به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید مسعود ستایش

رفیق مسعود در سنج بدنیا آمد و به منظور تحقیق فواید انقلابی خلق کرد و به پیشبرد انقلاب دمکراتیک - فدا میریایستی خلقهای ایران به مبارزه رو آورد در همین رابطه به صورت فواید ایران سازمان پیکار (حوزه سنج) پیوست. از او مثل اسامی بعنوان یک پیشمرگه زندگی خود را تماماً در خدمت پیروزی آرمان کارگران و زحمتکشان قرار داد. در جریان ۲۵ روز مقاومت قهرمانانه مردم سنج فعالیتش شرکت کرد.

رفیق سرانجام در روز ۱۷ خرداد (بین راه) کارگران سنج پس از ۴ ساعت زورمباران با ارتش فدا خلقی به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید کاک عطاء طاطائی

رفیق عطاء در سال ۱۳۴۰ در سقز بدنیا آمد. وی در آنجا هفتاد و نه ساله و جوان و توده‌های سختیده‌گرد فعالیتش شرکت میکرد. در جریان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم به کردستان، هوادار سازمان شد. سال آخر در بیرستان بود که با توجه به فعالیت و کارآئی اش مسلح به دست گرفت و در صف پیشمرگان سازمان و همراه دیگر همزمانش در روستاها به کار توده‌ای مشغول شد.

رفیق سرانجام در ۲۵ خرداد ۵۸ سالگی طی یک درگیری با نیروهای مسلح رژیم در اطراف روستای "میرده" (درجا ده سقز) به شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق محمود مسعودی

رفیق محمود یکی از هواداران پرشور سازمان بود که با عنوان مهندس در مجتمع فولاد اهواز کار می‌کرد. خصوصیات انقلابی رفیق موجب شده بود که وی در دل کارگران صنایع فولاد جای امنی بدست آورد. سرانجام در اوایل تیرماه در یک حادثه راهزنی (درجا ده یا سوچ) قتلش که با ایمان به پیروزی طبقه کارگری طبعاً و حرکت با زیادتاد. بقیه در صفحه ۱۸

جریان قیام پیشمرگه سپین ماه همراه مردم قهرمانان ایران در سنج و ااک سلطنت آباد، با دکان عثرت - آباد و کلانتری ۶ فعالیتش شرکت جست. در جریان یورش ارتجاع به کردستان (۲۸ مرداد ۵۸) در سازماندهی مردم مبارز سنج علیه رژیم شرکت نمود. همچنین مدتی در کوههای اطراف با نه در جنگ مقاومت و بمباران رزه برداشت.

رفیق به لحاظ شرکت فعالیتش در تشکیل بنکدها در محله‌های فقیرنشین، بی‌ویژه بنکدها در آباد، توانسته بود در قلب مردم زحمتکش این محلات جای امنی بدست آورد. سرانجام در تاریخ ۵۹/۲/۶ در حالیکه پیشاپیش پیشمرگانی که جهت پاک کردن ساختمان استانی در سنج از مزدوران بی‌شوری میکردند، در حرکت بوده شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در خا نواده‌ای تنگ - دست بدنیا آمد. در جریان او جکبوری مبارزات توده‌ها همراه آنها در حرکتی جمعی (نظارات، اعتصابات و تحصنات) فعالیتش شرکت میکرد. پس از قیام بعنوان یکی از عناصر پر تلاش اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه تیله کوه و تازه با دو با غجه - له فعالیتش شرکت جست.

به هنگام یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان (مرداد ماه ۵۸) در کنار مردم دلاور سقز قهرمانانه جنگید. در جریان یورش مجدداً ارتش و پاسداران به کردستان، رفیق شیخی بعنوان پیشمرگه سازمان پیکار، به صف جنبش مقاومت خلق کرد پیوست و در سرگرا ۱۱ اردیبهشت ۵۹ (اول ماه مه) در جریان یک ماوریت شهادت به شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق احمد مؤذن

رفیق احمد در سال ۱۳۳۳ در دزفول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۳ با رتبه اول به دانشگاه اهواز راه یافت. در سال ۵۵ ایدئولوژی طبقه کارگر را بعنوان یکانگه راهنمای ظفر نمون رهائی خلقها و زحمتکشان پذیرفت. رفیق در جریان مبارزات صنعتی - سیاسی دانشگاه اهواز در ردیف فعالترین دانشجویان قرار داشت. وی یکی از فعالین مؤثر در شکل دانشجویان، مل و گشودن دفتر دانشجویان مبارز بود. رفیق از اولین کسانی بود که در تشکیل "دانشجویان و دانشآموزان اهواز" سازمان پیکار "در اهواز فعالیتش شرکت داشت. در جریان هجوم وحشیانه مزدوران رژیم و حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه اهواز دستگیر و پس از شکنجه‌های جسمی و روحی فراوان در سرگرا ه روز جمعه ۵۹/۲/۱۲ به جوخا اعدام گردید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید حسن فقیر (امیر)

رفیق امیر در سال ۱۳۳۶ در خا نواده کارگری و در جنوب تهران بدنیا آمد. تا سال اول در دبیرستان

رژیم جمهوری اسلامی، امسال را سال "امنیت" نامید و بدین ترتیب در آستانه سال نو "مژده" سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی، بخصوص کمونیستها را به سرما به داران داد. در این رابطه بیکاران را در اندام شک درود، ما شهر و... بخون نشاند، خلقهای قهرمانان ترکمن و کرد را وحشیانه کشتار کرد، دانشگاهها را تعطیل و دانشجویان انقلابی را در سنگر دانشگاهها به گلوله بست و انقلابیون کمونیست را به شهادت رسانید. به جوخا اعدام سردویا به شیوه‌های فاشیستی سرور نمود...

اما با اینهمه آتش مقاومت و مبارزه انقلابی طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران هر دم شعله ورتر میشود و به همراه نیروهای انقلابی و بی‌ویژه کمونیستهای پیکار و خستگی نا پذیر بر جمیع ستم و استوا و سرختر از همیشه در اهواز زنگه‌ها شده، به پیش میرند. بیکارگران قهرمان تیکه فرازهای از زندگی پربارشان را در زیر بار مشاهده میکنند اما تندرها انقلابی و کمونیست دیگر خون پاکشان در نیمه اول سال "امنیت" بدست رژیم پارتی درگیری با مزدورانش و یاجین انجام وظایف انقلابی در راه و اتحاد و انقلاب و تحقق جمهوری دمکراتیک خلق بر زمین ریخت.

یادشان زنده و خاطره‌شان جاودانه باد!

پیکارگر شهید، رفیق حجت الله خوش کفا

رفیق حجت دانش آنش ۱۳ ساله، عضوا و فعالین تشکیلات دانش آموزان اهواز در سازمان در اندام شک بود. روز ۲۶ اسفند ۵۸ در آستانه سال "امنیت" هنگامی که در اجتماع مردم مبارزان اندام شک در اعتراض بکشتار بیکاران آن شهر شرکت کرده بود، از ناحیه گردن هدف گلوله‌ها ساران قرار گرفت و به شهادت رسید. رفیق در فروش نشریات سازمان در فعالان شرکت می‌جست و در زمینه طراحی نیز استعداد خوبی داشت. از وی طرحی بنام "پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر" به نام "بیکار" مانده که از طرف رفقای پیش در اندام شک تکثیر شده است.

پیکارگر شهید، رفیق مهناز معتمدی

رفیق مهناز معتمدی در شرکت نفت اهواز با شغل "ماشین نویس" کار میکرد. سال ۵۸ در ضمن طولانی اما پیروز مندا نه کارآموزان ماشین نویس بیمانی شرکت نفت اهواز نقش فعالی بعهده داشت.

رفیق علاوه بر شرکت در مبارزات صنعتی - سیاسی محیط کار خود، در مبارزات کارگران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی نیز فعالیتش شرکت میکرد. در همین رابطه در جریان وقایع دانشگاه اهواز به اسارت رژیم جمهوری اسلامی درآمد و هنگام عت ۱/۵ بعد از نیمه شب پنجشنبه ۵۹/۲/۴ همراه عده‌ای دیگر از زندانیان از محل پیدادگاه انقلاب اسلامی به کانون کارآموزی زرگان منتقل میشدند که گلوله‌های افساداران مزدور در خون خود غلتید و به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید

کاک عبدالکریم شرتی

رفیق کریم در سال ۱۳۳۴ در شهر با نه متولد شد. در

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



بیسمرکه فیروما ن،
رفیق مسعود ستایش

بیسمرکه فیروما ن،
رفیق کاک عطاء طاطایی

بیکار رگر شهید،
رفیق محمود مسعودی

بیسمرکه فیروما ن،
رفیق حسن فقیر امیر

بیکار رگر شهید رفیق
حجت خوش کسا

**گوشه‌ای از تبارنامه
خونین خلق درسنگر
سازمان پیکار
در راه آزادی طبقه کارگر
(در نیمه اول سال
امنیت)**

بیسمرکه فیروما ن،
رفیق نجم الدین سخی

بیسمرکه فیروما ن، رفیق
کاک عبد الکریم شرسی

بیکار رگر شهید، رفیق
ملم خلیج

بیکار رگر شهید، رفیق
طب نجم الدینی

بیکار رگر شهید، رفیق
مسعود صالحی راد

بیکار رگر شهید، رفیق
مهدی علوی سوسری

بیکار رگر شهید، رفیق
مهنسا رهنمندی

بیکار رگر شهید، رفیق
احمد موذن